

نابود باد جنگ؛ مرگ بر  
خمینی؛  
زنده باد صلح و آزادی

# نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
پیر و برنامه (هویت)

دوره چهارم - سال سوم  
اسفند ماه ۶۵ شماره ۳۳



## بهار خیزش

هوا دلپذیر شد  
گل از خاله بردمید  
پرستو باز گشت زد نقشه امید  
به جوش آمد از خون در درون  
رنگبگانه  
بهار خجسته باز خرامان رسد  
زراره  
به خوبشان، به دوستان، به  
یاران آشنا  
به مردان تیز خشم گه  
پیکار می کنند  
به آنانکه با قلم تباهی درد را  
به چشم جهانیان پدیدار می کنند  
بهاران خجسته بساد

بهار خیزش با نوروز  
۱۳۶۶

۲۲ اسفند  
سالروز انتشار  
طرح صلح شورای ملی مقاومت  
ایران گرامی باد

**اعتیاد، دزدی، فحشا،  
در رژیم خمینی**  
در تمامی جوامعی که بنای آنها بر نظام  
طبقاتی استوار بوده است مسائلی از قبیل دزدی  
و فحشا همیشه وجود داشته است. قوانین اقتصادی  
حاکم بر نظامهای طبقاتی همیشه دره میان فقر  
و ثروت را عمیقتر کرده اند. اگر چه این نظامهای  
اقتصادی - اجتماعی به اشکال مختلفی وجود  
داشته اند، اما در ماهیت امر، یعنی حفظ طبقات  
و نابرابری بکسان بوده اند. هر نظامی که جایگزین  
نظام ماقبل خویش گشته، اساسی ترین پایه های  
سیستم قبلی را تکمیل نموده و هر بار به سوازات  
بیشتر اجتماعی - اقتصادی شکل پوشیده ای به  
محتوای آن داده اند. اگر چه ظهور سرمایه داری با  
اصلاحاتی همراه بود، اما بنیادهای استعماری  
بقیه در صفحه ۵

**"سال سرنوشت" سال بهران**  
**و این است رژیم خمینی**  
سال ۱۳۶۵، بدون هر گونه دست آورد مثبتی  
برای رژیم خمینی در جنگ ارنجایی اش گذشت. این  
سال که قرار بود "سال سرنوشت" و "تعمین کننده"  
باشد، بدنبال شکست های فزاینده بار رژیم خمینی  
هم در صحنه نظامی و جبهه ها و هم در صحنه سیاسی  
تبدیل شد. مجموعه بازده عملیات با نام و دهها  
عملیات بی نام رژیم خمینی علیه عراق، نتیجه ای  
جز انبوه کشته شدگان، زخمی ها و اسرا برای رژیم  
خمینی نداشت. رژیم خمینی که در اواخر سال قبل  
با عملیات موسوم به والفجر ۹، شکست فاحش  
و فزاینده باری خورده بود، در سال جدید، سال  
عملیاتی موسوم به کربلا و فتح را آغاز نمود.  
عملیات موسوم به فتح قبل از آنکه نشانی از قدرت  
رژیم باشد، افلاس او را بنمایش گذاشته است. درین  
عملیات موسوم به کربلا نیز، عملیات کربلای ۵ که  
رژیم روی آن تبلیغ بسیار نمود و در واقع خونبارترین  
عملیات سال گذشته بود، برای رژیم جز شکست  
و ناکامی نتیجه بار نیاورد. کار رسوایی رژیم  
خمینی بجایی کشید که نخست وزیر جابیتگارشهر  
جلسه ۱۷ اسفند هیئت دولت "سال سرنوشت" را یک  
سال دیگر تمدید نمود. و خاسته ای جنایتکار برای  
لایوشانی کردن عملیات شکست خورده کربلای ۵، با  
بقیه در صفحه ۲

## دیدار مسئول شورای ملی مقاومت با رئیس جمهور عراق



روز سه شنبه ۲۸ بهمن ماه مسئول شورای ملی  
مقاومت در بغداد با رئیس جمهور عراق آقای صدام  
حسین دیدار و گفتگو نمود. در این دیدار مسئول  
شورا تقاضای قطع بمباران شهرها و غیر نظامیان  
را نمود. بدنبال درخواست مسئول شورا، روز  
چهارشنبه ۲۹ بهمن، شورای فرماندهی و شورای  
رهبری عراق تشکیل جلسه داد و در پایان قطع  
بمباران شهرها را بشرط رعایت متقابل رژیم خمینی  
بعدت ۲ هفته اعلام نمود. خبر این دیدار و پاسخ  
دولت عراق به خواست مسئول شورا وسیعاً در  
مطبوعات و رسانه های خبری جهان منعکس گردید.

## ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق

بناسبت ۲۹ اسفند روز ملی شدن صنعت نفت  
در سال ۱۹۰۱ میلادی مصادف با ۱۲۸۰ شمسی  
امیرالیم انگلیس توسط نردی بنام ویلیام دارسی  
از مظفرالدین شاه امتیاز استخراج نفت را گرفت.  
بین آنها قرارداد بسته شد که بعدها به قرارداد  
دارسی معروف شد. در سال ۱۹۰۹ اولین چاه نفت  
ایران شروع بکار کرد و از آن نفت استخراج شد.  
امیرالیم حریص، چشم طمع به منبع عظیمی که  
در سرزمین ما بود دوخت و اولین شرکت نفت ایران  
و انگلیس تاسیس شد. در سال ۱۹۱۳ برای اولین بار  
صدور نفت از ایران آغاز شد و نفت ایران به  
بازارهای جهانی راه یافت. اما در این میان مقدار  
بقیه در صفحه ۳

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی



### اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

## درباره شکست تهاجمات جنگی رژیم خمینی و موضعگیری های اخیر آمریکا و شوروی

بین المللی و منطقه ای و مبین درمادگی کامل رژیم خمینی در زمینه های نظامی و سیاسی است. بخصوص که اعتدای فزاینده مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی، بی ثباتی و فقدان مشروعیت این دیکتاتوری مذهبی قرون وسطایی را بیش از پیش در سراسر جهان به اثبات رسانده است. این مقاومت مردمی و سراسری پیوسته خواستار قطع حمایت از رژیم جنگ افروز و سرکوبگر خمینی و تحریم تسلیحاتی و نفتی آن بوده و با جلب حمایت گسترده داخلی و بین المللی برای طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران (که از سوی دولت عراق بعنوان سبای قابل قبول برای آغاز مذاکرات صلح پذیرفته شده) برهنگان روشن ساخته است که صلح عادلانه گامی امکان پذیر و در دسترس است و مدتها است فقط رژیم خمینی سد و مانع آن می باشد.

بنام مقاومت عادلانه مردم ایران برای سرنگونی رژیم ناسروع خمینی و استقرار صلح و آزادی و از سوی شورای ملی مقاومت ایران - به مثابه تنها جانشین دمکراتیک و مردمی برای این رژیم رو به سقوط - با تأکید مجدد بر ضرورت صلح عادلانه و فوری در جنگ ایران و عراق، ضمن استقبال از گلبی تلاش های بین المللی در مقابله با جنگ طلبی خمینی و تهدیدات او علیه آرامش منطقه ای و علیه صلح جهانی، از گلبی دولت ها و اعضاء ملت متحد و بویژه اعضاء شورای امنیت ملت متحد درخواست می کنم برطبق منشور ملت متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر به حکومت کردن رژیم خمینی و تحریم تسلیحاتی و نفتی آن مبادرت ورزند.

مسئول شورای ملی مقاومت  
سعود رجوی  
۸/اسفند/۶۵

بگرفته پس از قطع بمباران شهرها و مناطق مسکونی میهنمان و بدنبال ناکام ماندن آخرین حلقهات تهاجم جنگی موسوم به "کربلای ۵"، رژیم خمینی در اطلاعیه صبح امروز خود با اعلام خاتمه عملیات مزبور تلویحاً به شکست مهمترین تهاجمات "سال سرنوشت" در جنگ ایران و عراق، اعتراف نمود. شکستی مفتوح و بسیار سنگین با حدود یکصد هفتاد هزار تلفات (اعم از کشته و مجروح و معلول) در تهاجمات موسوم به "کربلای ۴" و "۵" و "۶" که در آغاز از سوی بالاترین مقامات رژیم مگرراً در زمره حملات و ضربات نهایی توصیف می شد.

اکنون درحالی که بیش از "۲۰ روز به پایان" "سال سرنوشت" باقی نمانده، برغم هرگونه تشبیهات محتمل جنگی تا پایان سال جاری، با قاطعیت می توان گفت که این دیکتاتوری جنگ افروز تروستی غیرمطمئن تمامی چنجال های تبلیغاتی و تلاش های بی سابقه جنگی اش برای بسیج نیرو و تدارک سلاح و ملزومات، نه فقط به هیچیک از هدفهای اعلام شده اش دست نرفته بلکه بخش اعظم ذخائر استراتژیکی خود را نیز در "تنور جنگ" بر باد داده و فعل مهم دیگری را هم در سرنوشت تیره و تار و در مسیر فروپاشی مستوم خود رقم زده است. رژیمی که برای سرپوش گذاشتن بر سرکوب غنچه شری و بهران های عمیق داخلی، سرنوشت خود را به گونه ای تمام مهار به جنگ خارجی گره زده است.

در چنین شرایطی بیانه ای دیروز رئیس جمهور ایالات متحده ای آمریکا و موضع گیری های اخیر رهبری اتحاد جماهیر شوروی علیه جنگ طلبی خمینی و ضرورت استقرار صلح در جنگ ایران و عراق، حاکی از حقیقت رسوائی و ضعف و انزوای رژیم خمینی در تعادل

### موضعگیری اتحاد شوروی

#### علیه جنگ طلبی خمینی

بار دیگر اتحاد شوروی از رژیم خمینی خواستار پایان دادن جنگ با عراق و حسل اختلافات دو کشور از طریق گفتگوهای مسالمت آمیز شد. این موضع را مقامات شوروی در ملاقات با طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق که اوائل اسفند ماه از مسکو بازگشته بود، اعلام نمودند. طارق عزیز در مسکو با آنرفه گرومیکو، رئیس جمهور و نیکلای ریشکوف نخست وزیر شوروی به گفتگو پرداخت. رهبران شوروی اعلام نمودند که اختلافات دو کشور در جنبه های جنگ حل شدنی نیست و باید بین دو کشور گفتگوهای صلح آمیز آغاز شود. وزیر خارجه عراق متقابلاً اعلام نمود که عراق آماده آغاز گفتگوهای صلح است و این رژیم خمینی است که لاجوابانه به ادامه جنگ اصرار می ورزد.



به گزارش رادیو مسکو ۲۲ بهمن - گورباچف رهبر اتحاد شوروی در مراسم پایان دیدار دبیر کل حزب سوسیالیست حاکم یمن جنوبی از شوروی سخن میگفت اعلام کرد: " به جنگ ایران و عراق باید هر چه زودتر از راه مذاکرات سیاسی خاتمه داد."

به گزارش خبرگزاری رویتر ۲۴ بهمن - نیکسولای ریشکوف نخست وزیر اتحاد شوروی در دیدار خود با وزیر خارجه رژیم خمینی خواستار پایان یافتن این جنگ گردید.

بنا به تفسیر رادیو مسکو در ۲۵ بهمن، آنسدره گرومیکو در ملاقات با اکبر ولایتی تأکید کرد که افزایش وسعت قبرستانهای کشته شدگان این جنگ بسود مردم ایران نیست. از اینرو ما معتقدیم که باید راه حل هوشیارانه تری برای قطع جنگ پیدا کرد. همچنین آنرفه گرومیکو گفت: " بر خوردهای دو کشور به این جنگ و درگیری فرق دارد و این تفاوت بطور عمده به نحوه عمل در آینده مربوط است." گرومیکو در ادامه همین مطلب گفت: " افزایش وسعت قبرستان های شهیدان این جنگ بسود مردم ایران هم نیست."

و رفسنجانی هیچگونه بیگانگی وجود ندارد، زیرا در غیر اینصورت با افشا اینبمه دادو سندهای تسلیحاتی، رفسنجانی اینگونه رکورد وقاحت را نمی شکست. این رسوائی از یکطرف در درون خود نیروهای رژیم و بخصوص در درون جناح " خط امام" تاثیر گذاشت و نهادهای دروسی آنرا تشدید کرد و از طرف دیگر بدنه "امت همیشه در صحنه" و " حزب الله" را بمیزان زیادی سیفل نمود. تفاددهای

بقیه در صفحه ۱۱

بیگانهایی نمی توانستند به اهدافی که در مقابل خود قرار داده بودند، دست یابند و بدتر از آن چشم انداز خود را که قبلاً اشغال بصره اعلام نموده بودند، به امری خیالی همچون، در هم شکستن ماشین نظامی عراق، تبدیل کردند. رژیمی که در کربلای ۵، صدها فرمانده و کادر درجه یک از مهمترین ارگان نظامی اش یعنی سپاه را از دست داده است (تلفاتی که بخشی از آن در نشریات رژیم هم منعکس شده است)، اکنون به اسارت گرفتن چند فرمانده عراقی، و نابود کردن چندین تانک و هواپیما را یک پیروزی بزرگ قلمداد می کند. قرارگاه خاتم که شکست فزاینده بسیار نیروهایش را بخوبی دیده است، در همین اطلاعیه مورد بحث، با خفت و خاری، دست بسوی کشورهای منطقه دراز می کند و از آنان با منتهای ضعف می خواهد که دست از حمایت عراق بردارند.

در صحنه سیاسی نیز "سال سرنوشت" برای رژیم خمینی به سال بزرگترین رسوائی تبدیل شد. افشا روابط بیگانه رژیم خمینی با امپریالیسم آمریکا و قرارو مدارهای طرفین با هم، آنچنان تاثیر در صحنه داخل ایران داشت، که تمام اداو اطوارهای رفسنجانی چنانکار نتوانست این رسوائی را لایوشانی نماید. سال گذشته روشن شد که تا مین کننده اصلی سلاح برای رژیم خمینی آمریکا و اسرائیل هستند و در کنار آنان، انگلیس، آلمان غربی، فرانسه، سوئد، اسپانیا، بلژیک و سوئیس... به رژیم خمینی در ازا پول کلان و چند برابر قیمت معمولی اسلحه فروخته اند. اما رفسنجانی وقیح در نماز جمعه روز ۸ اسفند اسال اعلام می کند که " ما اگر به سلاح بیگانه متکی بودیم، صلح میکردیم." معلوم میشود که بین امپریالیستها

### "سال سرنوشت" سال پیمان و بیست و نهمین

بقیه از صفحه ۱

دروغ پردازی به ستایش از عملیات بی ارزش کربلای ۷ پرداخت و گفت " این عملیات نشان داد که طول ۱۲۰۰ کیلومتر مرز که جنبه نبرد است، همواره برای عبور رزمندگان اسلام امکان پذیر است و دشمن در همه نقاط جنبه آسیب پذیر می باشد" (رادیو رژیم - ۶۵/۱۲/۱۵). وقتی پاسداران خمینی در جنبه جنوب، با آن شکست فزاینده بار روبرو میشوند، خامنه ای به تمجید از عملیاتی می پردازد که برای هر فرد آگاه به مسائل نظامی مشخص است که این عملیات در رابطه با جنگ دو کشور، فاقد هرگونه ارزش نظامی است. خامنه ای با تعریف و تمجید از این عملیات می خواهد هم به نیروی شکست خورده خود روحیه دهد و هم از مزدوران جنایتکاری همچون سرهنگ آذرفر فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه و سرهنگ ظهیری، جانشین فرمانده قرارگاه شمال، که طراح اصلی این عملیات بود، و با لخره توانستند، ارتش را در یک عملیات کوچک حرکت در آورند، قدرانی نماید. اما کار شکست و فزاینده رژیم بسیار عمیق تر از آنست که اینگونه وقاحت ها و دروغ پردازیها بتواند آنرا لایوشانی نماید. وقتی قرارگاه خاتم، با اطلاعیه روز ۸ اسفند خود، با ارائه یک سلسله آمار دروغ و متناقض، پایان عملیات کربلای ۷ را اعلام کرد و به اصطلاح از فتوحات رژیم خمینی آمار ارائه داد، نتوانست این ساله را لایوشانی کند که عمیرغم تلفات سرسام آور از جانب رژیم خمینی،

## رهبری طبقه کارگر

# ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران است



## تلفات سرسام آور رژیم در جنگ

خرازی سرپرست ستاد تبلیغات جنگ در روز ۷ اسفند اسامی، با اعلام خاتمه عملیات موسوم به کربلای ۵ یکدسته آمار و ارقام از فتوحات خیالی رژیم خمینی ارائه داد. وی بر طبل تو خالی رژیم کوبید و بدون اینکه از تلفات سرسام آور رژیم خمینی حرفی بزند، ارقام و اعدادی را ردیف کرد. این در حالی است که حتی آن بخش از تلفات رژیم که در مطبوعات منعکس می‌شود، خود گویای حقایق بسیار از تلفات سرسام آور رژیم در جنگ است. نمونه زیر در کیهان ۳ اسفند ۶۵ یعنی ۴ روز قبل از آنکه خرازی جنایتکار، پرونده افلاک رژیم را رو کند، چاپ شده است.

کیهان ۳ اسفند ۶۵



عروج خورشید و پرواز مکتوبی سربازان فسادکار اسلام سرگرد حیات علی اشرفی - سرگرد طاهر خیرآبادی - سرگرد فریدون رضایی - ستوانیار همدان پرواز کاسم علی پور - ستوانیار سرواز حدیچین اعابیت - ستوانیار پرواز علیاکبر حلاجی - استوار ۱ پرواز امیر رحیمی - استوار ۱ پرواز رحیمی زارعی و استوار ۱ رحیمی را که به لادانله پیوسته - به پیشگاه ولیعهد امیران (ص) و نابیر حش امام حسین و خانوادگی شهید پروان و هنکاران شریفان تبریک و تسلیت عرض میسائیم - از طرف پرسنل و هنکاران تپ ترازی شیراز محمدتقی مطهری

شش ماه را خواست ولی با این امر موافقت نشد. مصدق از نخست وزیری استعفاء داد و به جای او احمد قوام سپهر امپریالیسم از جانب شاه به نخست وزیری منصوب شد. ولی طولی نکشید که اعتراض توده‌های مردم و قیام ۳۰ تیر ماه باعث آن شد که ارتجاع باز هم عقب نشینی نموده و مصدق باز هم نخست وزیر شد. روابط سیاسی با انگلستان قطع شد. مجلس سنا توسط مجلس شورای ملی منحل شد و این کارها نیز توسط دکتر مصدق انجام گرفت. امپریالیسم هنگامی که پی برد مصدق حتی یک قدم در مخالفت با منافع مردم ایران برنخواهد داشت ناچاراً با تمام قوا به او تاخت. همه دست نشانده‌های خودش را بسیج کرد تا به هر قیمت مصدق را از قدرت خلع نماید. حزب توده که خود را "کمونیست" و متکی به "پرولتاریا" می‌دانست عملاً در مقابل دکتر مصدق و جنبش ملی قرار گرفت و بی شرمانه و با وقاحت هر چه تعاملتر همسو با امپریالیسم بر مصدق تاخت و در این کار از هیچ کار شکنی دریغ نکرد. در هر گوشه نیروی خود را برای بنام کردن مصدق بکار گرفت. رهبری حزب توده با بی‌شرمی تمام، مصدق را متکی به امپریالیسم خواند و با شعار "مصدق پیروز است" که شعار توده‌های رنجمیده بود، به مخالفت برخاست.

در این میان روحانیون مرتجع صیچون بروجردی و کاشانی دوش بدوش حزب توده و دست نشانده‌گان امپریالیسم، البته در شکلی دیگر ولی با یک محتوا در مخالفت و کار شکنی علیه دکتر مصدق بطور فعال حرکت می‌کردند. و حتی کنیا از شاه درخواست بازگشت به ایران را کردند. و انجام کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد منجر به سقوط حکومت ملی مصدق گردید.

مصدق در دفاعیات خود، پیرامون علت محاکمه‌اش گفت: "آری تنها گناه من و گناه بسیار بزرگ من این است که صنعت نفت را ملی کرده‌ام و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی اقتصادی عظیم ترین امپراطور - ربهای جهان را از این مملکت برچیده‌ام و پنجه در پنجه مخوفترین سازمانهای استعماری و جاسوسی بین المللی در افکنده‌ام." دکتر مصدق ادامه داد که "خداوند مرا توفیق فرمود تا با همت اراده مردم آزاد این مملکت، بساط این دستگاه وحشت انگیز را دربردم. من طی این همه فشار و ناملاطیات این همه تهدید، از علت اساسی و اصلی گرفتاری خود شافل نیستم و به خوبی می‌دانم که سرنوشت من باید مایه عبرت مردانی شود که ممکن است در آینده در سراسر خاورمیانه در صدد گسیختن زنجیر بردگی و بندگی استعمار برآیند."

بدین ترتیب بود که جنبش انقلابی مسلحانه از تجربه شکست جنبش ملی درس آموخت و با اتکا به قهر انقلابی برای برچیدن بساط امپریالیسم و ارتجاع راه مصدق را ادامه داد.

جاودان بان خاطره همه شهیدای  
بخون خفته خلقی

## ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق

بقیه از صفحه ۱

ناچیزی از این درآمد به ایران می‌رسید، چیزی حدود شانزده درصد منافع شرکت که این مقدار نیز به جیب درباریان میرفت.

هر چه نفت بیشتری از جاهای نفت ایران استخراج میشد استعمار حرص بیشتری برای بلعیدن این منبع ملی ما از خود نشان می‌دادند. آنان تشنه نفت بودند و تشنه بلعیدن این آب حیاتشان. اما صاحبان اصلی این نعمت بزرگ، خود در بدترین شرایط زندگی می‌کردند. فقر و فلاکت در همه جا بیداد می‌کرد و این در حالی بود که ثروت آنها را دیگران به تساراج می‌بردند. نزدیک ۷ هزار نفر از اهالی محلی در شرکت نفت به کار مشغول بودند، ولی خود اینان هم از وضع خوبی برخوردار نبودند. در بدترین شرایط سر می‌بردند و تا آخر عمر با فقر و فلاکت دست و پنجه نرم می‌کردند. اینان بر روی سرزمینهای سرشار از نفت بدبخت می‌آمدند، کار می‌کردند و رنج می‌کشیدند و می‌مردند.

سالهای سال نفت، این سرمایه ملی ایران به تساراج میرفت. قراردادهای متعددی از سوی نفتخواران رنگارنگ با رجال مردم فروش ایران که به هیچ وجه به فکر مردم ایران نبودند، بسته میشد. با گذشت زمان مردم ایران به این منبع مهم که متعلق به آنها بود پی می‌بردند. در این میان دکتر محمد مصدق رهبر آزادیخواه مردم ایران سرسخانه از منافع ملتش دفاع می‌نمود. دکتر مصدق همراه با اقلیت متوقسی در مجلس به طرفداری از مردم ایران و دفاع از منافع آنان مبارزهای سرسخت را شروع کردند و این مبارزه با پشتیبانی قاطع مردم ایران به نتیجه رسید.

در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون نفت که سه ماه قبل با اصل ملی شدن نفت مخالفت کرده بود بدلیل رشد مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران این اصل را پذیرفت و بالاخره مجلس ملی و مجلس سنا این اصل را به اتفاق آراء به تصویب رساندند.

امپریالیسم که سختی شکست خورده بود در صدد برآمد تا بهر صورتی که شده جلوی این جنبش ترقیخواهانه را بگیرد، اما بدلیل شرکت آگاهانه مردم ایران که دیگر نمی‌خواستند بیگانگان ثروت ملی آنان را به تاراج ببرند، ناچار به عقب نشینی شد. در تاریخ ۹ اردیبهشت سال ۱۳۳۰ قانون خلعید از تصویب مجلس گذشت. "علاء" استعفاء داد و دکتر مصدق به نخست وزیری برگزیده شد و برنامه ملی دیکرانیک خود را اعلام کرد. البته کار به همینجا ختم نشد، این تازه آغازگر نبرد سپهکین بین دو قوه متضاد بود. از طرفی مردمی متمسکه و از طرف دیگر امپریالیسم و نفتخواران بیگانه که ایران را تحت محاصره اقتصادی قرار دادند. اما این حمله نیز بی فایده بود. ارتجاع داخلی نیز با امپریالیسم برای سقوط حکومت ملی مصدق کاملاً هماهنگ بود. در تیر ماه ۳۱ مصدق برای اصلاح امور اقتصادی - اجتماعی از مجلس اختیارات



## اخبار کوتاه

اعتراض به جنگ

پس از بمباران هوایی بندر ماهشهر و سربلند دانش آموزان مدارس این منطقه، طی تظاهراتی بمنظور اعتراض به ادامه جنگ و دادن شعارهای علیه جنگ از رفتن به مدارس و حضور در کلاسهای درس خودداری کردند.

راديو كردستان ايران در روز ۲۰ بهمن ۶۵ گزارش نمود که مزدوران رژیم خمینی چندی پیش در سیاه چالهای قرون وسطایی خود یکی از کادریهای فعال و مبارز حزب دمکرات، بنام "غفور راوندی" را پس از دو سال شکنجه و آزار تیرباران کرده‌اند. ایس‌ن گزارش می‌افزاید که "شهید غفور راوندی هنگام تیرباران بحدی شکنجه شده بود که فقط استخوان‌هایش سالم مانده بود و تمامی اعضای بدنش بدست جلادان جمهوری اسلامی با آتش سیگار سوزانده شده بود. پاسداران ضد خلقی، حتی از برپایی مجلسی ترحم برای نامبرده جلوگیری میکردند. اما علیرغم فشار و تهدیدات ضد خلقیان، اهالی مبارز و انقلابی منطقه اشنویه دلسوزانه در مجلسی ترحم وی شرکت کردند و با خانواده شهید غفور و همسرانش همدردی نمودند.

راديو كردستان ايران در برنامه روز ۲۰ بهمن خود گزارش زیر را پخش نمود: "روز ۲۵ دیماه جاشهای خود فروخته و خاش مستقر در پایگاه روستای "بیزی" در منطقه گورک ربط به اهالی روستای سونی که مشغول برگزاری مراسم عروسی یکی از اهالی بودند هجوم بردند. جاشهای خود فروخته برای آنکه مراسم عروسی را برهم بزنند به بهانه‌های واهی متوسل شدند و به اهالی گفتند که در این مراسم پیشمرگان هم شرکت دارند و باید آنها را شناسایی و مسا را در دستگیریشان راهنمایی کنید. مزدوران در پی این بهانه‌ها به تفتیش خانه‌های مردم پرداختند. همزمان با این اعمال ضد انسانی جاشهای خود فروخته به بی حرمتی نسبت به اهالی نیز اقدام کردند. عملکرد ضد انسانی و فاشستی خود فروختگان با مقابله انقلابی اهالی روستای سونی، همگان و شرکت کنندگان در مراسم، بویژه شیر زنان و دختران روستایی، روبرو شد. خواهران دلیر و انقلابی مسا حمله به مزدوران رژیم به جاش خاش را خلق سلاح کردند و سپس به مراسم و شادباشان ادامه دادند. خاشان به خلق هنگامیکه در برابر اراده مردم، خود را زبون و درمانده یافتند، سر افکنده به پایگاههایشان گریختند.

مصاحبه با سر عرفات با روزنامه لومنت

با سر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در مصاحبه‌ای با روزنامه لومنت چاپ سوئیس اشاره کرد

که رژیم خمینی با حمایت از گروههای دشمن فلسطینیان در کشتار آنها شرکت دارد. وی همچنین با اشاره به همکاری رژیم خمینی با سوریه در حمایت از گروه امل علیه فلسطین گفت: ما سوریه را متهم میکنیم که در پشت نیمه بری رئیس گروه امل که برای مسائل فلسطینی‌ها در لبنان توطئه چینی می‌کند قرار دارد.

روزنامه تورنتو استار، در شماره مورخ سوم فوریه ۱۹۸۷ خود از قول خبرگزاری رویتر از السالوادور نوشته است که: یک سرگرد ارتش السالوادور، بعد از ۱۵ ماه اسارت بوسیله چریکهای چپ‌گرا در مقابل آزادی قریب ۱۰۰ چریک و زندانی سیاسی، آزاد شد. سرگرد عمر ناپلئون آلواز به یکی از استحکامات خود در پروکوشین، او را تحویل اسفد آرتورو پیورا- داماس و مقامات صلیب سرخ بین‌المللی دادند.

حکومت ایران در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد

کمیسیون حقوق بشر ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای رژیم خمینی را بعلت پایمال نمودن حقوق انسانی و سرکوب‌های مستند محکوم نمود و بار دیگر خواستار بازبید یک هیئت تحقیقاتی از جانب سازمان ملل، از ایران گردید. این قطعنامه در جلسه روز ۱۲ مارس (۲۱ اسفند) این کمیسیون صادر گردید. این قطعنامه نیز همانند سایر قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های مجامع بین‌المللی یک پیروزی برای مبارزه با رژیم ایران است که به یمن مقاومت انقلابی مردم ایران و بعلت تلاشهای گسترده پشت جبهه این مقاومت که هر دوی آن توسط شورای ملی مقاومت نمایندگسی میشود، بدست آمده است.

حمایت رهبر حزب کارگران اسپانیا - اتحاد کمونیست‌ها

مادرید - ۲۵ فوریه / ۱۹۸۷

جناب آقای مسعود رجوی

رئیس شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران  
دوست محترم

توسط یکی از اعضای سازمان شما از اقدام اخیرتان به همراه رئیس جمهور مدام حسین بمنظور تحقق "قطع جنگ شهرها" که در رابطه با جنگ ایران و عراق گسترش یافته بود، مطلع شدم. می‌خواهم از این موقعیت استفاده کرده و سپاسی و حمایت کامل خود را از مبارزه‌ی عادلانه‌ی شما ابراز دارم. من مطمئن هستم که موضع شما و دولت عراق، قطعاً این واقعه را پایان خواهد بخشید. شما درود می‌فرستم و برایشان آرزوی موفقیت‌هایشان دارم.

سانتیاگو کاربو

رهبر حزب کارگران اسپانیا - اتحاد کمونیست‌ها

موضعگیری عراق  
در باره عدم پایبندی رژیم خمینی  
به الزامات قطع بمباران شهرها

دولت عراق طی یک اطلاعیه رسمی در ۴ اسفند ماه جاری اعلام نمود که در پاسخ آقای رئیس جمهور عراق به درخواست آقای مسعود رجوی، شورای رهبری این کشور توقف بمباران شهرهای ایران را به مدت ۲ هفته پذیرفت. مشروط بر اینکه رژیم خمینی نیز از گلوله باران شهرهای عراق و از هر گونه تهاجم جنگی در این دو هفته خودداری کند. اما رژیم خمینی از روز ۴ اسفند گلوله باران شهر بصره را آغاز کرده است. که در اثر آن تعدادی از شهروندان غیر نظامی کشته و مجروح شده‌اند. همچنین در این اطلاعیه تأکید شده است که رژیم خمینی به هیچیک از الزامات مربوط به قطع بمباران شهرهای ایران پایبند نمانده است.

به نقل از اطلاعیه‌های دفتر سازمان مجاهدین خلق

شهید ۲۴ بهمن ماه - رزمندگان دلاور مجاهد خلق ساختمان بنیاد ضد مردمی موسوم به بنیاد مستضعفان را در خیابان گوه سنگی مشهد مورد تهاجم انفجاری قرار دادند.

استان کرمانشاه ۸ اسفند - ۱ - رزمندگان مجاهد خلق حین ماموریت در منطقه‌ی ازکله از توابع شهرستان پاوه با مزدوران سپاه و جاش خمینی روبرو شدند و بلافاصله به روی آنان آتش گشودند و لااقل سه تن از آنها را از پای در آوردند.

۸ - اسفند - رزمندگان مجاهد خلق یکی از پایگاههای رژیم را در هفت کیلومتری جنوب قصر شیرین مورد حمله قرار دادند.

۳ - اسفند - رزمندگان مجاهد خلق حین ماموریت در روستای مرزی حسین آباد در منطقه‌ی باویسر از توابع شهرستان سر پل ذهاب، با گروه ضربت سپاه ضد خلقی (بنام گردان چمران از تیپ ضد انبار فرسول) روبرو شدند. در این درگیری سنگین که پس از مزدوران رژیم با رزمندگان مجاهد خلق بیش از صد لحظات اول ۹ تن از مزدوران کشته و ۴ تن دیگر مجروح شدند.

همچنین در منطقه مرزی استان کرمانشاه طی این سلسله تهاجمات دلاورانه ۴ تن از رزمندگان مجاهد خلق شهادت رسانند و ۴ تن دیگر مجروح شدند.

اهواز ۲۴ بهمن - رزمندگان مجاهد خلق طی یک تهاجم دلیرانه، یکی از شکنجه‌گران خمینی بنام حاج جمشید قره سواری رئیس جنایتکار زندان مرکزی اهواز بنام "کارون" را سبلاکت رسانند.

کرمان ۲۲ بهمن - یک واحد از رزمندگان دلاور مجاهد خلق، طی یک تهاجم مشهورانه، یک واحد ۵ نفره بغیر در صفحه ۸

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است



## اعتیاد، دزدی، فحشا، در رژیم خمینی

بقیه از صفحه ۱

و استثمار را نه تنها محو نکرد بلکه آنها را محکومت، اما پوشیده و مجلل نمود. اگر در نظام فئودالی، دهقان زیر بار مالیاتها و بیگاریهای ارباب بود، در نظام سرمایه‌داری مالیاتها و بیگاری به شکل دیگری اخذ میگردد. سرمایه‌داری در آغاز بهدایش پرچمدار مبارزه علیه قشودالیزم گردید، آزادیخواه شد، "عدالت" طلب گردید و مدعی نجات دهقان از زیر ستم ارباب شد. اما دیری نگذشت که خود جای ارباب را بصورت مودبانتری گرفت. آزادیخواه‌ها و عدالت طلبین محدود به طبقه خویش ماند. با تکامل سرمایه‌داری و هر چه ماضی‌تر شدن جامعه فاصله فقر و ثروت بیشتر شد و هر جا سرمایه‌داری متکاملتر میگردد این فاصله افزونتر میشود. صنعت و تکامل ابزار تولید در جوامع سرمایه‌داری در خدمت انسان نبوده بلکه انسان بیش از پیش به خدمت ماشین در می‌آید. اگر چه ظاهراً قضیه باید اینطور باشد که هر چه انسان بتواند بر طبیعت چیرتر شود و در راه تولید گامهای عظیمتری بردارد، سطح معیشت و رفاه اجتماعی انسانها به همان میزان جلوتر برود، اما نظمی که تمام پیشرفت و ترقی علم و صنعت را در خدمت "سود" قرار دهد نمیتواند از دستاوردهای علمی بشر بفرغ اکثریت انسانها استفاده کند. در نظام سرمایه‌داری هدف کسب سود است. زمانی سرمایه‌دار کارگران زیادی استخدام میکند، زمانی دیگر آنها را اخراج مینماید اتخاذ سیاستها بر اساس نیازمندهای کارگر با کسب جامعه نیست، بلکه بر این اساس است که اگر وسایل و ماشین آلات هنوز نمیتواند جای انسان را بگیرند پس باید تعداد بیشتری کارگر استخدام کرد. اگر ماشین پیشرفت کرده و میتواند جای انسان را در تولید بگیرد، کارگر را اخراج میکند و اگر بازار فروش تولیداتش با رونق است برای تولید هر چه بیشتر به کارگر، مزد مناسب می‌پردازد و در غیر اینصورت کارخانه را تعطیل میکند و کارگران آن بیکار میشوند از همین رو خیل عظیم انسانهای بیکار تحویل جامعه میدهد، از طرفی دیگر صاحب کارگاهها و یا مراکز تولیدی کوچک و سنی را با استفاده از پیوندش با بازار جهانی سرمایه و تولید اشیای مرغوبتر ورشکست مینماید و او را نیز همراه همکاران بسا کارگزارش به ارتش بیکاران می‌افزاید. آنچه مسلم است، باید این ارتش بیکاران شکم خود و غالباً زن و فرزندان و یا پدر و مادر سالخورده شان را سیر کنند، که قادر به چنین کاری نیستند. باید فرزندان شان را به مدرسه بفرستند، اما بدلیل نداشتن قدرت تامین احتیاجات تحصیلی، ناچاراً آنها را برای کار روانه بازار میکنند، خودش را بیکار کرده‌اند چگونه فرزندان بی تجربه و ناتوان را بکار میگیرند؟ راه علاج چیست؟ تن دادن به هر کاری برای سیر کردن شکم خود و زن و بچه هایشان، اینجاست که مزدی و قتل و غارت "تولید" میشود و در کنار اینها نیز زنان

به تن فروشی روی می‌آورند. در تمامی کشورهای سرمایه‌داری مراکز تن فروشی وجود دارد. این اعمال بخودی خود بوجود نمی‌آید، هیچ انسانی در شکم مادر آنها یاد نمی‌گیرد تا با خودش بیارود. نظام سرمایه‌داری مولد آنست. بنابر این دزدی و فحشا، و مسائل دیگری از این قبیل ریشه در نابرابری اجتماعی دارند و هر روز که میگردد در جوامع سرمایه‌داری نابرابری عمق و وسعت بیشتری می‌گیرد این معائب اجتماعی تنها زمانی از بین می‌روند که جامعه مبتنی بر استثمار فرد از فرد از بین برود و آنهم زمانیست که دیگر طبقات متخاصم وجود نداشته باشند و اقلیتی برای ثروت اندوزی، اکثریت هنگفتی را به برده خود تبدیل نکند.

خلاصه کنیم: گرانی، بیکاری، فساد و فحشا و دزدی جزو لاینفک نظام سرمایه‌داری است. تمامی جوامع سرمایه‌داری کم و بیش با این معائب روبرو هستند جامعه ایران بعنوان جامعه‌ای طبقاتی با زیر بنای سرمایه‌داری وابسته، بعراتب با این پدیده‌های خود ساخته دست به گریبان است.

معائب اجتماعی (دزدی، فحشا، ...) در جامعه ما علاوه بر اینکه از یکطرف مولود سیستم سرمایه‌دار است، از طرف دیگر مولود سیاستهای رژیم خمینی می‌باشد که اکنون بدان می‌پردازیم.

بیکاری عظیمی که در ایران وجود دارد یکی از مهمترین عوامل بوجود آورنده دزدی و فحشا و انحطاط اخلاقی می‌باشد که بطور مختصر بدلائل وجود این بیکاری عظیم اشاره میکنیم.

۱- مهمترین عامل در افزایش تعداد بیکاران تسدوم جنگ ارتجاعی ایران و عراق است. رژیم خمینی از سویی تمام درآمدهای ملی را صرف خرید جنگ افزار می‌نماید، از اینرو قادر به خرید لوازم بدکی تعداد زیادی از کارخانجات و مواد اولیه مورد نیاز آنها نیست. در پیکال گذشته حدود ۵۰٪ از کارخانه‌ها بعلت نداشتن مواد اولیه مورد نیاز تعطیل شده و کارگران آنها بیکار شده‌اند. از سوی دیگر تعدادی از کارخانه‌هایی که احتیاجات اولیه را تولید میکردند و الزاماً می‌بایست به کار ادامه دهند در اثر بمباران از بین رفته‌اند. علاوه بر این رژیم بخاطر تامین نیروی انسانی برای تشر جنگ کارخانه‌ها را به تعطیل می‌کشاند و کارگران را با اجبار روانه کارزار جنگ می‌نماید. این امر تنها در مورد مراکز تولیدی صادق نیست بلکه دانش آموزان، دبیران و معلمان، دانشجویان و کارمندان بانکها و ... نیز میشود. بقول معروف هر يك از این مراکز سهمیه دارند. انقلاب باصلاح فرهنگی هم که هدفی جز تحمیل افکار ارتجاعی و فروع وسطایی ندارد، در افزایش بیکاری موثر است. گزینش دانشجو برای مشاغل دولتی بخصوص تربیت معلم بطور بسیار محطاطانه‌ای انجام میگردد. رژیم که از نقش معلمان انقلابی آگاه است، بخاطر جلوگیری از نفوذ ایمن، گزینش در این رشته و رشته‌های شبیه آنها به حداقل رسانده و با لاسره تعداد زیادی از دانشجویان به جرم داشتن افکار "غیر

اسلامی" و "غربی" و "شرقی" اخراج شده و به عنوان نیروی کار به بازار روی می‌آورند و به صف بیکاران می‌پیوندند. در اینجا لازم است بسادآوری کنیم که در بازار انواع و اقسام "شغل" بوجود آمده که شغل‌های کاذبی بیش نیستند و نمی‌توانستند در کاهش سطح بیکاری تاثیری بگذارند.

با چنین وضعیتی مشاهده میکنیم که در ایران حدود ۵ میلیون بیکار وجود دارد. وجود خیل عظیم بیکاران آنهم در این حد باعث افزایش دزدی و فحشا میشود این همه بیکار باید بطرفی نان خویش را پیدا کنند از این رو مردان بیکار به دزدی و قاچاق مواد مخدر که خواه ناخواه باید الزاماتشان را که همان دست زدن به قتل و غارت است، بپذیرند و زنان هم ناچار به تن فروشی و فحشا متوسل میشوند. در اینجا عامل جنگ باز هم نقش فعالی دارد. جنگ ویرانگر کدونی هزاران خانواده را متلاشی ساخته، سرپرست خانواده‌های بسیاری قربانی اهداف رژیم شده‌اند. وجود هزاران زن بیوه در جامعه از عواملی است که به فحشا دامنه وسیعتری میدهد. کار بجایی رسیده که "شهر نوحی شرعی" تحت عنوان میهنهای بلد یا دو ساعته دایر شده. منتظری ابله در همین رابطه دو سال پیش می‌گفت: "زنان ما باید خودشان این قدر فداکاری داشته باشند که به شوهرانشان بیاورند که تا می‌توانند زن بیوه بگیرند" طبق اطلاعات موثق تعداد زنان بیوه آقدر زیاد شده که رژیم آنها را به کشورهایی مانند سوریه و با عنوان صدور انقلاب صادر میکند. روزی نیست که در گوشه‌ای از روزنامه‌های رژیم خبر سنگسار و شلاق زدن زمانی که مرتکب زنا شده‌اند درج نگردد، درحالی که آنها خود قربانی سیاستهای رژیم هستند. این رژیم خمینی است که شوهرانشان را فدای اهداف ضد انقلابی خود کرده است. این رژیم خمینی است که باعث میشود آنها برای ارضای خود و تامین معاش به تن فروشی، تن‌دهند. رژیم هر اندازه فشار بیاورد سنگسار و شلاق بکار بندد، نمی‌تواند جلو رفسد و گسترش این فجایع را بگیرد، زیرا خود بوجود آورنده است.

## اعتقاد:

اعتقاد را هم نمی‌توان جدا از مسائل فوق الذکر بررسی کرد. امروز قاچاق مواد مخدر به یکی از مشاغل پر درآمد تبدیل شده است. بیکاری سرسام‌آور کدوسی از دو جهت در این زمینه عمل میکند، از یکسو تعدادی از بیکاران به باندهای قاچاق مواد مخدر می‌پیوندند و از این طریق برای خود "کار" پیدا میکنند. از طرف دیگر فشارهای روحی که از جهت به این عده و مخصوص جوانان وارد می‌آید تعدادی را بطرف مصرف مواد مخدر می‌کشاند. رژیم هر بار تعدادی از سرکردگان این باندها را استخدام میکند. اما همانگونه که شلاق و سنگسار نمی‌تواند فحشا را از بین ببرد، اعدام و زندان هم نمی‌تواند از اعتیاد و خرید و فروش آن جلوگیری کند. تسلازه بزرگترین باندهای قاچاق مواد مخدر از درون "سیاه باساران" و کمیته‌های انقلاب اسلامی سر در بقیه در صفحه ۶



## گرامیداشت روزهای تاریخی بهمن ماه

برگزاری مراسم گرامیداشت رستاخیز سهاگل و قسام  
بر شکوه خلق در یکی از مقرهای کمیته کردستان سازمان

در گرامیداشت روزهای تاریخی ۱۹ بهمن، رستاخیز سهاگل و تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و جنبش نوین کمونیستی و ۲۲ بهمن هشتمین سالگرد انقلاب پر شکوه خلقهای ایران در یکی از مقرهای کمیته کردستان سازمان در ناحیه مرزی ایران و عراق مراسم با شکوهی با شرکت تعدادی از مسئولین و اعضا و پیشروگان سازمان و چند نفر از مهمانان کمیته کردستان برگزار گردید.

این مراسم شورانگیز با اعلام یک دقیقه سکوت جهت گرامیداشت خاطره عزیز شهدای حماسه سهاگل و قسام بهمن ۵۷ و تمامی شهدای خلق شروع گردید بدنبال آن بیانیه سازمان بمناسبت روزهای تاریخی بهمن قرائت گردید. سپس رفیق مسئول کمیته کردستان سازمان جایگاه رفیع رستاخیز سهاگل را برای حاضرین در مراسم تشریح کرد. وی در بخشی از سخنانش چنین گفت: "بمناسبت در میان آتش و خون سازمان رزمنده و انقلابی متکی به مبارزه مسلحانه رهایی بخش تولد یافت و از آن تاریخ به بعد مسیر وجود این سازمان انقلابی مارکسیست بر همه تغییر و تحولات جامعه ایران کوبیده شد. اگر چه حرکت سهاگل بر اثر یک سلسله عوامل تاکتیکی شکست خورد اما به لحاظ استراتژیک شکل نویسی از مبارزه را در فضای سیاسی آنروز ایران تثبیت نمود و سرگرد رفیرمسم خیانتمکار حزب توده را نوید داد. بجهت نبود که رفیرمستیها از خواب غفلت به بیدار بیدار شده و علیه این حرکت انقلابی دست به لجن پراکنی زده و بنام حرکتی ماجراجویانه و آوانتورستی و جدا از توده از آن یاد کردند. از آن پس سهاگل سرمشی شد برای هر انقلابی که میخواست وارد مبارزه فعال شود، محافل مطالعاتی را رها کرده و پنجه در پنجه دشمن فاشیست بگذارد، سهاگل ثابت کرد که ایمن راه، راه واقعیت و هر آنکس که نمیخواهد بسه بیراه رود باید در این مسیر گام بردارد."

رفیق مسئول کمیته کردستان در بخش دیگری از

سخنانش مواضع جریان خائن موسوم به اکثریت و منفعلین راه کارگر و باند تبهکار و تمامسوی جریاناتی که نام فدایی بر خود نهاده اما از چهار چوب مبارزه مسلحانه خارج شدهاند را برای شرکت کنندگان در مراسم توضیح داد و در این زمینه گفت: "اکنون پس از گذشت ۱۶ سال از حماسه سهاگل وقتی به یادبود آن می‌نشینیم عمیقاً درک می‌نماییم که حرکت سهاگل پاسخی انقلابی بود به یک ضرورت عینی و کسانی که این را درک نکرده‌اند طوسی دوران کنونی نیز یعنی بعد از سرنگونی رژیم پهلوی نتوانستند به ضرورت‌های عینی جامعه پاسخ انقلابی بدهند، بی دلیل نیست رفیرمستیهای خائن اکثریتی از جمله به حرکت انقلابی سهاگل شروع کردند و در پایان خود را در آغوش رژیم خمینی یافتند. بدلیل نیست منفعلین راه کارگری از رد سهاگل آساز کرده و در نهایت نه تنها نتوانسته‌اند ضرورت‌های دوره کنونی انقلاب را درک کنند بلکه راه رفیرمستی مبارزه اقتصادی را در پیش گرفته‌اند و به میمان توده‌ها پی در پی در حال عقب نشینی هستند و پا کار باند تبهکار توکل به جایی کشیده که جنبش مسلحانه دوره کنونی علیه رژیم ضد خلقی خمینی را حرکت تروریستی می‌نامد و ..."

سازمان ما عزم جزم ندارد که تا این جریانات اپورتسو- نیست قاطعانه مبارزه کند و نخواهیم گذاشت آرمان شهدای سهاگل بوسیله این جریانات رژیم پهلوی گذاشته شود و فداکاری و حماسه‌های رهبران مبارز را وسیله کسب اعتبار خویش سازند. بیگمان ما پیروز خواهیم شد. سخنان رفیق مسئول کمیته کردستان رفقای شرکت کننده در مراسم را چنان تحت تاثیر قرار داد که اشک شادی و پیروزی در چشمان تعدادی از آنها حلقه بسته بود.

در این مراسم اشعاری که بمناسبت روزهای تاریخی بهمن سروده شده‌اند توسط رفقای شرکت کننده خوانده شد.

## د رمالذگی رژیم خمینی در بسیج نیرو

بقیه از صفحه ۹

می‌خواهد که کمبود نیروی انسانی مسلحانه را تامین کند. که در آن بخشنامه دستور داده است که حداکثر نفرات اعم از دانش آموزان، دانشجویان، کارمندان و کارگران را به جبهه اعزام نمایند. رژیم ضد خلقی حتی برای تهیه نیروی انسانی جبهه‌های مرگ و نیستی دست به بازرسیهای وسیع در سطح شهرها می‌زند و اکثر جوانان تازه بعد بلوغ رسیده را دستگیر کرده و بعنوان مشمول عازم جبهه‌ها می‌کند.

از لحاظ تامین نیاز مندیهای تدارکات جبهه‌های جنگ رژیم به دزدی و غصب غنای اموال مردم توسل جسته و طبق گزارشات بدست آمده در این زمینه مسزهوران و آدمکشان رژیم کلیه تریلرهای متعلق به افراد و پسا موسسات خصوصی که در خیابانهای تهران پارک شده بدون اطلاع صاحبان آنها، به جبهه فرستاده‌اند. و بعد این حرکت را بعنوان کمک مردمی امت همیشه در صحنه نام می‌برد. گفته‌های رژیم، دیگر بردی در میان توده‌ها ندارد و هر روز ناراضی مردم نسبت به سیاست‌های، بخصوص سیاست جنگ افروزی آن بیشتر میشود و اکنون دیگر بانک رسانی خلق در بند ایران به گوش جهانیان می‌رسد و خلق در حال آماده کردن خود برای سرنگونی این رژیم ضد بشری می‌باشد. چنانکه خود دست اندرکاران رژیم هم به این مسئله از قبل دست یافته بودند ولی اکنون خطر را بیش از گذشته احساس کرده‌اند و باصطلاح بعنوان حملات هوایی از مردم می‌خواهند که دست به ساختن پناهگاه بزنند و حتی ستادی هم به این منظور اختصاص میدهند و در آخر خود همین دست اندرکاران اقرار می‌کنند که از این پناهگاهها و سنگرها در وقت خود برای جنگهای داخلی استفاده خواهند کرد. ذی خیال باطل جلوی خروش و طغیان خلق را هیچ نیروی نمی‌تواند سد کند. هر گاه خلق اراده کند بساط رژیم خمینی را در هم خواهد ریخت.

## اعتیاد، دزدی، فحشا، در رژیم خمینی

بقیه از صفحه ۵

آورده‌اند و تا بحال چندین بار وجود این باند‌ها در درون ارگانهای مذکور افشا شده است. در هر زندانی (زندانیهای عادی) تعدادی از افراد این باند‌های وابسته به سپاه و کمیته، از پاسدارهای ساده تا سپه‌های بالای آن وجود دارند.

بدیهی است تا رژیم خمینی هست، نمی‌توان انتظار ریشه کن شدن و یا کاهش این ناپسندیده را داشت و هر روز ابعاد این فجاج گسترده‌تر میشود. بنابر این اولین اقدام در راه از بین بردن فساد و فحشا، در جامعه ایران، سرنگونی انقلابی رژیم جنایتکار خمینی می‌باشد.



## اخبار کوتاه

بقیه از صفحه ۸

نقل از اعلامیه دفتر مجاهدین خلق  
صدا تن از مردم تبریز در تاریخ شنبه ۲۵ بهمن در خیابان مجاهدین و خیابان دارایی (نزدیک بازار شهر) و چهارراه ملل متحد به تظاهرات پرداختند. در این تظاهرات مردم بر علیه جنگ و به نفع صلح شعار می‌دادند. ساعاتی پس از شروع تظاهرات پاسداران در وحشت از اوجگیری آن بر روی تظاهرکنندگان آتش کشیدند و تعدادی از آنان را مجروح ساختند. همچنین گروه کثیری از مردم شیراز در اواخر هفته گذشته در منطقه خیابان اصلاح نژاد شیراز بر علیه خمینی و جنگ خانمانسوز او و در حمایت از صلح به تظاهرات پرداختند. پاسداران برای پراکندگی

کردن جمعیت سرپا خود را به محل رسانند.  
در تهران نیز در اواخر ماه ژانویه مردم فرحزاد در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه پاسداران دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات در اثر تیراندازی پاسداران به درگیری گسترده‌ای میان مردم و پاسداران سرکوبگر خمینی منجر شد که طی آن یک تن از پاسداران کشته و گروهی از مردم نیز زخمی شدند.  
لازم به یادآوری است که قبلاً نیز تظاهرات مشابهی در شهرهای همدان و کرمانشاه بر علیه جنگ برقرار شده بود که در اثر تهاجم پاسداران تعدادی از مردم کشته و مجروح گردیدند.

دفتر مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران

۴ / اسفند ۶۵

۲۲ / فوریه ۱۹۸۷

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری



## بن بست جنک

## و توجه مجدد به ارتش

سهاکل می‌کنیم" را سر دادند، سلاح بدست گرفتند و به یادگاریا حمله بردند و بساط رژیم ننگین شاه را با نبرد مسلحانه خود برای همیشه برچیدند و ارگانهای مسلح خود را بنا نهادند.

غاصبان قدرت بعد از قیام از ترس اراده مستقل مردم و قدرت عظیم توده‌های مسلح سریعاً به بازسازی سیستم ارتش پرداخته و جنایتکاریا مانند قرضه‌سی، ژنرال رژیم شاه که دستش بخون هزاران نفر آغشته بود را به فرماندهی ارتش جمهوری اسلامی برگمارند تا استخوانبندی شکسته شده ارتش را ترمیم کنند. دیری نیابید که ارتش " اسلام" در کنار سپاه پاسداران که نیروی عمده سرکوب است، توده‌های کرد و ترکمن را بخاک و خون کشید و اکنون پس از گذشت ۸ سال از پیروزی قیام بهمین، سران جنایتکار رژیم، به تقابل با خواست توده‌ها و نیروهای انقلابی که خواهان انحلال ارتش ضد خلقی و تسلیح همگانی بودند، اعتراف می‌نمایند، بر تمامی جنایات ارتش دست پرورده امپریالیسم امریکا مهر تأیید زده و ابتکارات توده‌های قیام‌کننده در ایجاد ارگانهای مسلح توده‌ای را توطئه می‌خوانند. اگر ترس از خشم توده‌ها نبود، رژیم حتی آن تعداد مزدورانی را که اعدام شدند، زنده می‌گذاشت و آنها را مانند مدنی جلد خلق خوزستان به بستجای مهم می‌گماشت.

خامنه‌ای جنایتکار در سخنرانی روز ۱۹ بهمین ۶۵ در جمع پرسنل نیروهای ارتش و در حضور امام خون آشام جماران به نکاتی اشاره کرد که جالب توجه است. خامنه‌ای بر جلوگیری امام از ملامتی شدن ارتش ضد خلقی شاه و ترس و وحشت سران رژیم از وجود پرسنل انقلابی ارتش و همچنین بن بست جنگ و محاصره کامل از هر طرف اعتراف کرد. در اینجا تیتروار نکات مذکور را مورد بررسی قرار میدهم.

۱- خامنه‌ای در رابطه با برخورد امام جنایتکارش به ارتش گفت: " از اول انقلاب برای ارتش خط و نشان می‌کشیدند. گروههای مختلف ضد انقلاب، ضد ستحکمی که در مقابل همه این توطئه‌ها ایستاد شخص شیخین امام عزیزمان در درجه اول و همه ارزشها و شخصیتها و نموده‌های انقلاب بدنیسال ایشان بود. همین الان به من فرمودند (منظور خمینی است) که من به شما برادران ارتش بگویم که از اول ایشان به حفظ و ادامه ارتش علاقمند بودند و از آن دفاع کردند."

مردم میهنمان هنوز نقش ارتش ضد خلقی شاه را در سرکوب مبارزین و توده‌های قیام‌کننده در دورانبهای سیاه پهلوی را فراموش نکرده‌اند، هنوز خونهای ریخته شده توسط ارتش در جمعه سیاه تهران (۱۷ شهریور) در خاطره نه تنها ایرانیان، بلکه سایر خلقهای جهان زنده است. جنایات ارتش ضد خلقی شاه چنان سیمانه بود که توده‌ها علیرغم مخالفت " حضرت امام" فریاد " رهبران ما را مسلح کنید" " وای به روزی که مسلح شویم" و " ایران را سراسر

۲- توصیه امام عزیزمان به شما که من از زبان مبارک ایشان عرض میکنم و همین حالا به من فرمودند این است که شما خودتان پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران باید مراقب باشید. انسانهایی را که مایل نیستند ارتش مستقل باشد، ارتش سربلند باشد ارتش یک انقلاب باشد، ارتش یک ارتشی در کنار مردم باشد خودتان این افراد را در داخل ارتش بایستی بشناسید و به مسئولان، فرماندهانستان آنها را بشناسید، ارتش بایستی در خدمت انقلاب بطور کامل و خالص باشد."

توصیه خمینی نشان دهنده وحشت وی از پرسنل انقلابی ارتش می‌باشد. این روزها سران حکومت ناخوابسته نسبت به وجود " عناصر" و " افراد" و " منافقین و امثال اینها" هشدار می‌دهند. همین چند هفته پیش رفستجانی گفت: " تو شهرها چشم‌های نا محرم منافقین و امثال اینها، عناصر اصلی جنگرو زیر نظر دارن ..."

بحران انقلابی بی که فضای میهنمان را فرا گرفته ناقوس مرگ رژیم خمینی را بخدا فر آورده است، رژیم به این نقش مهم پرسنل انقلابی و مردمی ارتش آگاهست که در صورت بروز حرکتی گسترده، فرماندهان مزدور ارتش توسط همین عناصر انقلابی مجازات می‌شوند. رژیم از همکاری پرسنل انقلابی نیروهای مقاومت بی خبر نیست، دهها نقشه نظامی رژیم توسط پرسنل انقلابی در اختیار نیروهای مقاومت گذاشته شده، اخبار مربوط به جبهه‌ها

بقیه در صفحه ۸

اما علیرغم همه تلاشهایی که رژیم ارتجاعی خمینی برای به‌غل و زنجیر کشیدن زنان و دور کردن آنان از فعالیت‌های اجتماعی می‌نماید، در این دوران زنان در سطح وسیعی به سیاست و مبارزه کشیده شده‌اند. در مبارزه علیه رژیم خمینی از دختران نوجوان تا مادران پیر سالخورده شرکت دارند و در این راه حماسه می‌آفرینند و دلآوری این زنان سینه به سینه نقل میشود و در تاریخ مبارزات زنان کشورمان ثبت می‌گردد.

زنان مقاومتی که توسط دژخیمان دستگیر میشوند علاوه بر شکنجه و آزاری که بدلیل فعالیت انقلابی شان تحمل میکنند، شکنجه‌های دیگری را به دلیل زن بودنشان باید تحمل کنند. بطور مثال، دخترانی که قبل از اعدام با لاجبار آنها را به سینه مزدوران در می‌آورند، مادرانی که جگرکوشکان خود را باید در اتاقهای سیاه زندان پرورش دهند، زنان حامله‌ای که با بچه خود شکنجه و اعدام میشوند. مادرانی که فرزندانشان در جلوی چشمانشان شکنجه و اعدام میشوند. اما مقاومت دوران ساز و انقلابی مردم ایران که با شرکت وسیع زنان و مردان همین سازمان جریان بالنده خود را طی میکند، سرانجام این رژیم ارتجاعی را سرنگون خواهد نمود و راه را برای تحقق حقوق دمکراتیک زنان خواهد گشود. مسلماً در ایران آزاد و دمکراتیک پس از سرنگونی رژیم خمینی، زنان همین ما به حقوق اجتماعی و سیاسی برابر با مردان دست خواهند یافت.



نشان دادند که زن آن گالایی نیست که در فرهنگ ننگ آلود رژیم شاه معرفی میشد. همچنین شرکت گسترده و فعال زنان، همشودش و همنگر با مردان در قیام بهمین ۵۷، بار دیگر نقش و موقعیت زنان را در مبارزه و فعالیت‌های اجتماعی روشن نمود.

بعد از به قدرت رسیدن نیروهای ارتجاعی در ایران، همراه با پایمال شدن دستاوردهای ارزشمند قیام توده‌ها، حقوق اجتماعی زنان سلب گردید و زنان تحت ستم رژیم قرون وسطایی خمینی قرار گرفتند. زنان در رژیم خمینی نه تنها هیچگونه امتیازی کسب نکردند، حتی اندک حقوق اجتماعی را که به رژیم شاه تحمیل کرده بودند، از دست دادند. زنان به موجودی درجه چندم تنزل پیدا کرده و مسورد تحقیر و آزار و شکنجه قرار گرفتند. بطور خلاصه می‌توان گفت، رژیم ارتجاعی خمینی برای زنان ایران، حجاب اجباری، لایحه قصاص، بیگسار نمودن کارمندان زن، تعدد زوجات، طلاق بیجانسه از طرف مرد ... و صدها فشار و تبعیض دیگر بسره ارستان آورده است.

در رژیم جمهوری اسلامی ما زنان نه به مثابه سلسک اسان، بلکه به مثابه یک برده رفتار میشود. در این رژیم همه حقوق زنان چه در حیطة جامعه و چه در حیطة خانواده از آنان سلب گردیده است. زنان بدست نداشتن حجاب مورد دلخواه رژیم از کار بیگسار میشوند، در خیابان و مجامع عمومی شلاق محخورند، مورد تحقیر و توهین قرار میگیرند و ... با لایحه به اردوگاه اجباری فرستاده میشوند.

## ۸ مارس روز همبستگی بین‌المللی زنان گرامی‌باد

بقیه از صفحه ۱۲

با شروع جنبش انقلابی و مسلحانه در ایران سر فعلی نوین در مبارزات زنان گشوده شد. طیف وسیعی از زنان به محته سیاست کشیده شدند و عمده زبادی از آنان جنب سازمانهای انقلابی گردیدند.

شرکت فعال زنان در جنبش انقلابی و مسلحانه در سالهای دیکتاتوری شاه و پذیرش مسئولیت‌های سنگین انقلابی، نشاندهنده رشد آگاهی و پتانسیل انقلابی زنان در آن دوران می‌باشد. در آن شرایط بسیاری از آنان در زندانها و در نبرد با مزدوران شاه حماسه آفرینند و به شهادت رسیدند.

رفقای چون: شیرین فضا، کلام، مهربان، ابراهیم، همی، نسترن آل‌آقا، لادن آل‌آقا، پوران بدالهی، نزهت السادات روحی آهنگران، اعظم روحی، آهنگران، مرضیه احمدی اسکویی، زهره مدیر شانه، چی، زهرا آقایی تلپکی، فاطمه حسن پور امیل، فاطمه نیانی، نزال آبتی، طاهره خرم، مینسا طالب زاده شوشتری، رفعت معماران، سیمین پنجه شاهی، مریم پنجه شاهی، کلرخ مهدوی، صدیقه (سرت) قزوی، فریده ثروی، میترا بدلیل فلسفت فاطمه حسینی، نادره احمد هاشمی، سیمین توکلی مریم شاهی، افسر السادات حسینی، صبا بیسز زاده از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و مجاهد شهیدی چون فاطمه امینی و ... در آن مبارزه قهرمانانه جان باختند. این شیر زنان با خوششان



بن بست جنگ و  
توجه مجدد به ارتش

بقیه از صفحه ۷

و میزان تلفات و حتی اساسی فرماندهان کشته شده در اسرع وقت در اختیار نیروهای مقاومت قرار می‌گیرد. منفجر کردن انبار مهمات پادگان عشرت آباد توسط پرمش انقلابی و مردمی ارتش چگونگی شوکی بر سر رژیم فرود آمد و خواب " ارتش مکتبی" را به هم زد و اکنون مجبورند به وجود " ضد انقلاب" و " کسانی که مایل نیستند ارتش بک ارتش انقلاب باشد" اعتراف کرده و هشدار دهند.

۳- " امروز وضعیت ما مثل وضعیت مسلمانان صدر اسلام در جنگ احزاب است. در جنگ احزاب هم پیغمبر به معنای حقیقی کلمه محاصره شد، آنروز هم تمام گروههای کفار از همه طرف با اسلام مدینه با اسلام پیغمبر با نظام جوان و پر تحرک و نهسال تازه اسلام کمر دشمنی بسته بودند و آنرا محاصره کردند."

خامنه‌ای جنایتکار بار دیگر محاصره رژیم را به زبان آورد. با نگاهی به تغییر و تحولاتی که از چند ماه پیش در برنامه نظامی رژیم بوجود آمده، سه جرات می‌توان نتیجه گرفت که رژیم به هیچکدام از اهداف از پیش تعیین شده‌اش نرسیده است. توسل رژیم به نیروهای خارجی ( ایوزیسیون دولست عراق) و فکر اعلام حکومت حکیم مزدور در شمال کردستان نقش بر آب شد، آرزوی اشغال جنوب شرقی خاله عراق و گرفتن بصره هم علیرغم متحمل شدن دهها هزار کشته و مجروح، تنها در حد آرزو باقی مانده است. رژیم از بسیج نیرو ناتوان گشته، با ناراضی شدید توده‌ها روبروست، نیروهای مقاومت در همه جا حضور دارند ( " سافرتی اینها، رفت و آمدهای اینها، زندگی اینها رو زیر نظر دارن، دکترها را زیر نظر دارند، بیمارستانها را زیر نظر دارن " ) انعکاس وجود مقاومت قدرتمند در هرم حاکمیت، تشدید اختلافات عمیق و گسترده‌است که طرفین همدیگر را تا لب پرتگاه برده‌اند، الحاق که خامنه‌ای مثال بی ربطی نزنده است. رژیم از هر سو در محاصره است و تنها بک راه حل در مقابل دارد، سرکوب در تمام ابعاد.

۴- " توصیه دیگری که فرمودند من به شما بگویم همین حفظ وحدت است. ارتش با سپاه، و سپاه با ارتش و ارتش در میان خود و سپاه در میان خود... اختلاف بین ارگانهای سرکوب رژیم سابق دیرینه‌ای دارد، تا کنون بارها همدیگر را مشغول شکستهای فضاقت بارشان کرده‌اند. بازداشت سرهنگ مزدوری چون میاد شیرازی و محمد کتمبه از وجود این تضادهای عمده پرده برداشت."

در میان سپاه پاسداران هم اختلافات زیادی وجود دارد. از جمله بعد از دستگیری مهدی هاشمی تضاد بین جناح طرفدار وی و جناحهای دیگر درون سپاه تشدید شده است. در بعضی شهرها مانند لاسم و اصفهان اعلامیه‌هایی با امضای این گروه منتشر شده که در آن علیه رفسنجانی و بر له منتظسری موشگویی شده است.

بحران اقتصادی - اجتماعی روز بروز تعمیق می‌یابد. سطح زندگی توده‌ها سریع‌تر از پیش صدارج

## اخبار کوتاه

بقیه از صفحه ۴

گشت نیسان پاترول کمیته سرکوبگر کرمان را در هم کوبیدند. در این تهاجم انقلابی دو پاسدار ضد خلقی به هلاکت رسیدند و ۳ پاسدار دیگر شدت مجروح شدند.

کرمان ۲۷ بهمن: آخوند جنایتکار علی ایران منشتر امام جمعه موقت خمینی در کرمان و یکی از مهربه‌های اصلی جنگ و سرکوب در این استان توسط یک واحد از رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسید.

مشهد ۲۱ بهمن: یک واحد از رزمندگان مجاهد خلق طی یک تهاجم دلیرانه یک واحد گشتی پاسداران سرکوبگر خمینی را در خیابان محسن کاشانی ( شاه سابق) مشهد، با رگبار مسلسل‌های خود در هم کوبیدند. در این عملیات انقلابی سه پاسدار جنایتکار این واحد گشتی بهلاکت رسیدند.

مشهد ۲۲ بهمن: رزمندگان دلاور مجاهد خلق طی یک تهاجم بزرگ و قهرمانانه تجمع سردمداران جنایتکار کار رژیم در روز ۲۲ بهمن در مشهد را مورد حمله قرار دادند. در این عملیات هادی خامنه‌ای نماینده جنایتکار مجلس ضد مردمی، سرهنگ مظفری مزدور سرسپرده ارتجاع و فرمانده پایگاه هوایی مشهد به شدت مجروح شدند و بیش از ۵ تن دیگر از مهربه‌ها و مزدوران جنایتکار خمینی با آتش مسلسل و نارنجک رزمندگان مجاهد خلق از پای در آمدند.

تهران ۲۳ بهمن: رزمندگان مجاهد خلق طی یک تهاجم مشهورانه یک واحد گشتی ویژه ۴ نفره متعلق به کمیته مرکزی تهران را در میدان رسالت در هم کوبیدند. در این تهاجم انقلابی ۴ پاسدار مزدور و از جمله فرماندهی جنایتکار این گشتی سرکوب بهلاکت رسیدند.

مشهد ۲۲ بهمن: رزمندگان دلیر مجاهد خلق مرکز اصلی عملیات سپاه پاسداران ضد خلقی در خیابان

پاشین تر از صفر را طی میکنند. صلح طلبی مردم اوج نازه‌ای بخود گرفته، اعتدای جنیت توده‌های رژیم را دچار وحشت و سراسیمگی کرده است. رژیم، فریاد سرکوب خمینی که با غریب سلسله‌های خلق در هم می‌آمیزد را در بنا گوش خود احساس می‌کند. سر بستر این شرایط است که سران جنایتکار رژیم مجبور به اعتراف به ناراضی و وجود مقاومت انقلابی گسترده در تمام ابعاد می‌باشند و برای مقابله با جنبش توده‌ای خود را آماده میکنند و از نیروهای سرکوبگر طلب وحدت می‌نمایند. اما قدرت متکسبی به سلاح خلق آنچنان نیرومند است که هر سدی را ویران خواهد کرد.

توده‌ها بار دیگر " بهمن" می‌آفرینند، سرکوبگران را به زانو در می‌آورند و رژیم خمینی را با تمام دسته بندیهایش به گورستان تاریخ خواهند سپرد.

دکتر شریعتی مشهد را که بازداشتگاه مرکزی و شکنجه‌گاه سپاه مشهد نیز در آن قرار دارد، مورد تهاجم انقلابی خود قرار دادند.

منطقه بانه ۱۸ اسفند: رزمندگان دلاور مجاهد خلق یکی از پایگاههای حماسی نیروهای سرکوبگر دشمن ضد بشری در حوالی سرخ کوه واقع در منطقه مسرزی جنوب بانه را مورد تهاجم قرار دادند و آنرا منهدم کردند. طی این حمله حداقل ۲۰ پاسدار و بسیجی مزدور مستقر در این پایگاه بهلاکت رسیده و از پای در آمدند.

رزم آوران مجاهد خلق طی یک رشته تهاجمات درخشان و هماهنگ ۴ پایگاه رژیم در منطقه آلا ن سردشت را در هم کوبیدند. که طی آن دهها تن از مزدوران رژیم کشته و مجروح شدند و هفت نفر به اسارت درآمدند.

رزمندگان دلاور مجاهد خلق طی یک تهاجم انقلابی در تاریخ ۴ اسفند ماه جاری، فرمانده مزدور پایگاه راندیو تلویزیون جبرفت را که در صدد متوقف کردن و بازرسی رزمندگان مجاهد برآمده بود با آتش سلاح خود به هلاکت رسانند.

استان خوزستان - ۲۰ دیماه جاری - رزمندگان دلاور مجاهد خلق طی یک تهاجم مشهورانه به یکی از مراکز اطلاعاتی سپاه پاسداران در اهواز چند تن از مزدوران اطلاعاتی دشمن را شدت مجروح کردند.

بنا به دعوت اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان ( هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران) در خارج از کشور تظاهرات و آکسیونهایی بمناسبت بزرگداشت ۱۴ بهمن سالروز شهادت مجاهدین قهرمان موسی خیابانی و اشرف ربیعی و همزمانشان ترتیب یافت. رفقای هوادار سازمان در کشورهای فرانسه، آلمان هلند، سوئد، نروژ، دانمارک، اسپانیا، امریکا ضمن شرکت در این تظاهرات با پخش بیانیه‌ها و تراکت‌های سازمان نسبت به بزرگداشت رستاخیز سهاکل و قیام بهمن و روزهای تاریخی بهمن اقدام کردند که مورد استقبال بی سابقه هموطنان خارج از کشور قرار گرفتند.

بنا به گزارشات متعدد که تا این تاریخ دریافت داشته‌ایم تعداد زیادی از رفقای هوادار سازمان که به تازگی از ایران آمده با تا کنون موفق به وصل ارتباط با سازمان نشده بودند در هر جایی که رفا فعالیت و حضور داشتند با معرفی خود به مسئولین آمادگی خود را جهت همکاری اعلام و رفقای مسئول متقابلاً نسبت به جذب و سازماندهی آنها اقدام نمودند.

به گزارش خمرگزار فرانسه (۱۰ فوریه ۸۷) ۲۱ بهمن کنشگری اتحادیه عمومی نویسندگان و خبرنگاران فلسطینی که در شهر الجزیره برگزار گردید، با صدور قطعنامه‌ای روابط پنهانی و معاشرتات تسلیماتی رژیم خمینی با اسرائیل و امریکا را محکوم نمود و خواستار قطع فوری جنگ ایران و عراق گردید.

بقیه در صفحه ۶



### درماندگی رژیم خمینی در بسیج نیرو

قتلگاه جنگ برسانند. رژیم خمینی با شکستهای پی در پی در عملیاتیهای گریزناپذیر متعدد، افلاس و درماندگی خود را بیشتر نشان داد. در واقع طرح این حملات از جانب رژیم خمینی بدین جهت بود که نشان دهد هنوز نیرویی برای ادامه جنگ دارد و به خیال خودش میخواست که با تصرف بصره و پیروزی نظامی و سیاسی بدست آورد که خوراک تبلیغی برای سیاستهایش داشته باشد و بهتر بتواند روی شعار "جنگ، جنگ تا نابودی" تکیه نماید و نیروی انسانی بیشتری را برای این سیاست ضد مردمی اش بسیج نماید و فکر میکند که با تعویض سپه‌رهبانهای ارتش و تعریف و تجلیل از ارتش میتواند مسئله شکستها را لاپوشانی کند. در روز ۱۳ بهمن ماه سال جاری سید علی خامنه‌ای رئیس شورای عالی دفاع رژیم در مراسمی که بمناسبت معرفی فرمانده جدید

رژیم خمینی همچنان با شعار "جنگ، جنگ، جنگ تا نابودی" جوانان میهنمان را به مسلخگاه جنگ خانمانسوز می‌فرستد و با تبلیغات دروغین و سردم فریب سعی در پوشاندن شکست خود در این زمینه می‌کند. برای نمونه روز ۲۲ بهمن وقتی هواپیماهای عراقی برای بمباران شهرهای ایران از حریم هوایی ایران گذشتند، برای اینکه در درجه اول درماندگی خود را در دفاع از حریم هوایی بیوشانند و در درجه دوم از متفرق شدن تظاهرکنندگان از تظاهراتی که ماهها برای آن زمینه چینی کرده و تمام بوق و کرناهی تبلیغاتی‌شان را به این مسئله معطوف داشته بودند، جلوگیری بعمل بیاورند از صدا در آوردن آژیسر هوایی خودداری می‌کنند و یا سپاه بزرگ مهندسی تشکیل می‌دهند و از امت همیشه در صحنه می‌خواهند با شرکت در این سپاه، خودشان را هر چه رودتر به

نیروی هوایی یعنی سرهنگ منصور ستاری ترتیب یافته بود از نقش مهم و تعیین کننده ارتش در جنگ تقدیر می‌کند. خلاصه همانطور که اشاره شد رژیم جنگ افروز خمینی دیگر نمی‌تواند مانند سابق نیروی انسانی بسیج کند و منظور مقابله در برابر مقاومت گسترده مردم علیه جنگ و دستگیری و اعزام اجباری جوانان کشور به مسلخگاه جبهه‌های جنگ کلیه ارگانهای سربازگیری خود را بحالت آماده باش درآورده و همچنین قائم مقام بسیج شد خلقی اعلام داشته که شانزده هزار و پانصد مرکز بسیج در سراسر کشور منظور آماده کردن و سازماندهی سپاه مد هزار نفری مهدی بحالت آماده باش در آمده‌اند و همچنین اعلام داشته که از دوازدهم بهمن بمسئولیت ۱۰ روز روزه ده هزار نفر از کلیه استانهای کشور جمع کرده و به مسلخگاه اعزام می‌دارند. موسوی نخست وزیر جنایتکار رژیم هم با تنظیم بخشنامه‌ای و ابلاغ آن به کلیه ادارات، موسسات و کارخانجات بقیه در صفحه ۶

### کودکان رهاشده

عکس فوق مستعلق به پسر بیوه  
مکملی است که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۲  
در خیابان ۱۷ شهریور رها گردیده  
و توسط مأمورین کلاتری (۳) به  
شیرخوار گاه آورده شده است.

عکس فوق مستعلق به پسر بیوه  
مکملی است با نام احتمالی علی که  
در شهرستان گرگان رها گردیده  
و توسط دادسرای گرگان به  
شیرخوار گاه تعویض گردیده.

عکس فوق مستعلق به دختر بیوه  
مکملی است که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۲  
در خیابان ۱۷ شهریور رها گردیده  
و توسط مأمورین کلاتری (۳)  
به شیرخوار گاه آورده شده است.

عکس فوق مستعلق به پسر بیوه  
مکملی است که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۲  
در خیابان ۱۷ شهریور رها گردیده  
و توسط مأمورین کلاتری (۳)  
به شیرخوار گاه آورده شده است.

عکس فوق مستعلق به دختر بیوه  
مکملی است که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۲  
در خیابان ۱۷ شهریور رها گردیده  
و توسط مأمورین کلاتری (۳)  
به شیرخوار گاه آورده شده است.

عکس فوق مستعلق به پسر بیوه  
مکملی است که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۲  
در خیابان ۱۷ شهریور رها گردیده  
و توسط مأمورین کلاتری (۳)  
به شیرخوار گاه آورده شده است.

عکس فوق مستعلق به پسر بیوه  
مکملی است که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۲  
در خیابان ۱۷ شهریور رها گردیده  
و توسط مأمورین کلاتری (۳)  
به شیرخوار گاه آورده شده است.

عکس فوق مستعلق به پسر بیوه  
مکملی است که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۲  
در خیابان ۱۷ شهریور رها گردیده  
و توسط مأمورین کلاتری (۳)  
به شیرخوار گاه آورده شده است.

عکس فوق مستعلق به پسر بیوه  
مکملی است که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۲  
در خیابان ۱۷ شهریور رها گردیده  
و توسط مأمورین کلاتری (۳)  
به شیرخوار گاه آورده شده است.

عکس فوق مستعلق به پسر بیوه  
مکملی است که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۲  
در خیابان ۱۷ شهریور رها گردیده  
و توسط مأمورین کلاتری (۳)  
به شیرخوار گاه آورده شده است.

عکس فوق مستعلق به پسر بیوه  
مکملی است که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۲  
در خیابان ۱۷ شهریور رها گردیده  
و توسط مأمورین کلاتری (۳)  
به شیرخوار گاه آورده شده است.

عکس فوق مستعلق به پسر بیوه  
مکملی است که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۲  
در خیابان ۱۷ شهریور رها گردیده  
و توسط مأمورین کلاتری (۳)  
به شیرخوار گاه آورده شده است.

به تصاویر این کودکان بی گناه که پدر و مادرانشان از فرط فقر و درماندگی آنان را در گوشه و کنسار خیابان، رها می‌کنند نگاه کنید. این پدیده همچون هزاران پدیده منفی دیگر از آثار و نتایج حکومت ننگین خمینی است. پدر و مادرانی که جگرگوشگان

خود را رها می‌کنند. در آنچنان شرایط فلاکت باری بر سر می‌برند که مجبورند از قید داشتن کودک بگذرند حکومت خمینی با سرازیر کردن تمام ثروت‌های مملکت ما در تنور جنگ و اختناق، زندگی را اینگونه بر مردم ایران سخت کرده است. این تصاویر

تعداد ناچیزی از کودکان رها شده است که تنها در سه شماره یکی از مطبوعات وابسته به رژیم حساب شده است. اما تمام واقعیت این پدیده بسی وسیع‌تر و فاجعه‌بارتر است.





## اعتراف رفسنجانی به نارضایتی

## توده ها در جنگ

حملات دیوانه وار وی در دربار نیروهای رژیم در یکماه اخیر جنگ شهرها را بیش از پیش شعله‌ور کرده است. طی این مدت که گریزهای رژیم به شمارش افتاده است دهها شهر و نقاط مسکونی توسط هواپیماهای عراق بمباران شده است. هم سینه‌نمان که به ماهیت جنگ افزوزانه رژیم پی برده‌اند و وضع اسفبار کنونی را از سیاستهای جنگ طلبانه این رژیم میدانند، تا کنون دهها بار به اشکال مختلف به ادامه این جنگ خانمانسوز اعتراض کرده‌اند. خشم و نفرت توده‌ها بحسبیت که وقتی مکانی مورد حمله هوایی قرار می‌گیرد و بمباران میشود، هیچکس از مزدوران رژیم جرات حرف زدن از "جنگ جنگ تنها پیروزی" را در آن محل ندارند.

از طرف دیگر در حملاتی که رژیم در این مدت در جبهه‌ها انجام داده است هزاران نفر از نیروهایش بهلاکت رسیده‌اند که اکثرا از نیروهای ورزیده رژیم بوده‌اند. رژیم تا کنون هر شکستی را یک پیروزی جلوه داده و همواره از اعزام نیروهای تازه نفس دم میزند. اما واقعیت چیست؟ واقعیت اینست که رژیم در حملات اخیر نه تنها هیچگونه پیروزی بدست نیاورده، بلکه هزاران تن از نیروهایش را از دست داده است. همچنین در "بشت جبهه" جبهت بسیج نیرو با مشکلات متعددی مواجه است. جوانان از رفتن به جبهه امتناع می‌ورزند. هر روز بر شمار فراریان از جبهه‌ها افزوده میشود هر چه بیشتر شاهد مقاومت مردم در برابر سرکوبگری اجباری هستیم. همچنین به موازات شکستهای متعدد رژیم در جبهه‌ها، اعتراضات توده‌ای گسترده‌تر میشود. فعالیت نیروهای مقاومت برای سازماندهی مردم پیرامون خواست صلح و آزادی، گسترده‌تر میشود. بدیهیست که چنین وضعی رژیم را به وحشت می‌اندازد. بطوریکه اگر به اظهارات سران رژیم توجه کنیم ترس و وحشتی را که حالت القماری و ضعف و زبونی در آنها بوجود آورده، ملموس است.

رفسنجانی جنایتکار در نماز جمعه ۱۰/۱۲/۵۷ خهران در برابر نمازگزاران می‌گوید: " شما مردم وظیفی دارید که در دو نکته من خلاصه میکنم یکی در مورد همین بمباران شهرهاست... سعی کنید بناگاههایی که میشه از اونجا استفاده کرد حتما استفاده کنید و تعاون عمومی تو کشور باشه که ما از بشت جبهه تحت فشار قرار نگیریم که بخاطر این مسائل از جنگیدن کوتاه بیاییم. مسئله دوم تداوم این حرکت در میدان جنگه..."

علیرغم بوق و کرنای تبلیغاتی رژیم مبنی بر حضور " امت همیشه در صحنه" چه در میدان جنگ و چه در بشت جبهه می‌بینیم که رفسنجانی جنایتکار چگونه به اینکه در جبهه و بشت جبهه تحت فشار هستند اعتراف می‌کند.

\*\*\*

در کتب روتوزیع  
آثار سازمان  
بکوشید

## برخی از رویدادهای تاریخی

- ۱۳۵۸ - اعلام خبر شهادت چهار ستاره خلق ترکمن  
توماج، مختوم، جرجانی، واحدی
- ۱۳۵۴ - شهادت مجاهد خلق، سرگرد محبی، افسر انقلابی ارتش
- ۱۳۹۹ - انجام کودتای امپریالیستی - انگلیسی توسط رضا خان با همکاری سید ضیاء طباطبایی
- ۱۳۳۴ - درگذشت دهخدا، نویسنده و ادیب کشور ما
- ۱۳۳۱ - شکست کودتای روز ۹ اسفند توسط شاه و نوکرانش آیت الله بهبهانی، کاشانی و بقاشی علیه دولت ملی دکتر مصدق
- ۱۳۴۸ - تظاهرات مردم تهران در رابطه با اتوبوسرانی
- ۱۳۴۴ - درگذشت شادروان دکتر محمد مصدق
- ۱۳۳۷ - امضا قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا توسط رژیم شاه
- ۱۳۳۲ - به آتش کشیدن کریم پور شیرازی، روزنامه نگار مترقی توسط مزدوران رژیم شاه
- ۱۳۵۸ - برگزاری اولین انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی
- ۱۳۶۱ - کشتار تعدادی از زندانیان سیاسی در زندان رشت بمناسبت ایجاد آتش سوزی در زندان توسط مزدوران رژیم خمینی
- ۱۳۵۷ - آغاز پورش به مردم کردستان توسط رژیم
- خمینی
- ۱۳۲۹ - روز ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور خارجی:
- ۱۹۳۴ - اکتیو سزار ساندینو، از رهبران سرسبزک جنبش انقلابی نیکاراگوئه توسط کاره ملی دولت حاکم شهادت رسید.
- ۱۹۶۵ - قتل مالکوم ایکس
- ۱۹۴۸ - انتشار مانیفست حزب کمونیست
- ۱۹۷۷ - تاسیس جمهوری دمکراتیک عربی صحرائی باختری توسط جبهه آزادیبخش پولیساریو
- ۱۹۷۶ - قتل عام مردم السالوادور توسط ارتش امریکایی السالوادور
- ۱۹۸۱ - شروع اعتصاب غذای بابی ساندز در زندانهای انگلیس
- ۱۹۵۳ - درگذشت جوزف استالین
- ۱۸۷۱ - تولد روزالیندا امورگ
- ۱۸۸۳ - درگذشت کارل مارکس، برجستترین اندیشمند تاریخ معاصر و رهبر بزرگ پرولتاریای جهان
- ۱۹۵۴ - نبرد دین بین فو
- ۱۸۷۱ - تشکیل کمون پاریس
- ۸ مارس روز بین المللی همبستگی با مبارزه زنان

## نوروز خونین سنندج

بقیه از صفحه ۱۲

خود اقدام به تشکیل شوراهای شهر و روستا نمود و برای اولین بار حاکمیت خویش را تجربه کرد. شوراهای شهر سنندج (بنکها) بارزترین نمونه تشکیلهای دمکراتیک و اعمال ارادهی خلق بود. اما میری نیاید که ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع پورش خود را علیه دستاوردهای قیام از سنندج آغاز کردند و صدها تن از مردم ستمدیده این شهر را به خالک و خون کشیدند. رژیم ارتجاعی خمینی همزمان با کشتار مردم سنندج، مردم ترکمن صحرا را نیز به خون کشید.

دهقانان ترکمن صحرا که در دوران شاه خاشن زیر ستم فئودالیهای وابسته به فربار، برده‌وار زندگی می‌کردند، با ایجاد شوراهای دهقانی و معادله زمین زمینداران و فئودالیهای فراری وابسته به دربار، حاکمیت خویش را اعمال کردند. اما حاکمان جدید که مدتها در آرزوی قدرت بودند، تحمل و جسور ازگانهای توده‌ای را نداشتند و آنها را آماج گلوله‌های خود قرار دادند.

رژیم خمینی از همان روزهای به قدرت رسیدن، ثابت نمود که حاکمیتی ضد دمکراتیک و ضد انقلابیست و از ابتکارات و آزاده مستقل توده‌ها هراسان بوده و برای در هم شکستن آن به هر جنابیتی دست خواهد زد. اگر چه این ارگانهای مسلح توده‌ای نتوانستند مدت زیادی دوام بیاورند، اما نجارب ارزنده‌ای را به یادگار گذاشتند که بهترین آنها می‌توان جنبش جمع‌بندی کرد:

- ۱- تسلیم توده‌ها ضامن حفظ و تداوم انقلاب است.
- ۲- هیچ حاکمیت غیر دمکراتیک و ضد انقلابی وجود ارگانهای مسلح توده‌ای را برای مدت زیادی تحمل

نمی‌کند. و به وجود اراده مستقل توده‌ها تن در نمی‌دهد.

کشتار توده‌های کرد و ترکمن در زمانی بود که همین آقای بازرگان که اینک فریاد "وای سرکوب"، "وای اختناق" سر می‌دهد، ریاست دولت موقت را به عهده داشت. با درس گیری از این جنابیات باندهای مختلف رژیم است که هیچ انسان شرافتمندی به تغییر و تحول درونی آن نمی‌انگشید، بلکه سرنگونی کلیت این رژیم را مد نظر قرار می‌دهد. مردم میهنمان حاکمیت جنابیتکاری چون بازرگان را تجربه کرده‌اند و هیچ گاه در انتظار این نوکران "دربار امام" نخواهند بود از توروژ خونین سنندج تا کنون، کردستان همچنان می‌رزمد، پیشمرگانش می‌جنگند و مردم استوار و شکست ناپذیر آن، تسلیم سیاستهای رژیم خمینی نشده‌اند و هر روز صدای اعتراض خود را علیه سرکوب و جنگ و جنایت رژیم بلندتر می‌کنند.

کردستان نه تنها چهره واقعی جنابیتکاری چون بازرگان را برای همیشه نمایان ساخت، بلکه قلم بدستان جریان اکثریت و حزب خاش توده را که در خدمت با مقاومت مادامه‌اش بسیار قلم‌زبانی کردند (پیشمرگان را چته و راهزن نامیدند. شهادت را بی تجربه و فریب خورده و کشته شدگان راه اهداف ضد انقلابی خواندند، جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد را وابسته به بیگانه، ضد انقلابی و سیه امپریالیسم معرفی کردند، به نیروی رهبری آن اتهام مزد بگیر زنده‌ها به زانو در آورد، قلم‌های کادیشان ۱۸۰ درجه چرخید و در برابر عظمت و غرور آن سر تسلیم فرود آوردند. بیشک این مبارزه مزدوران رژیم خمینی را نیز به زانو در خواهد آورد.

\* این مسئله بستگی به شرایط و توازن قوا دارد



## علیه سرکوب رژیم خمینی و ♦♦

بقیه از صفحه ۱۲  
کرده است. این تلاشهای بین المللی که عملاً و بطور گسترده توسط شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق صورت گرفته، موقعیت های چشمگیری برای مقاومت عادلانه مردم ایران بهمراه داشته است. بطور مثال، اسال برای بار دوم، مجمع عمومی ملل متحد در تاریخ ۱۴ آذر، رژیم خمینی را بخاطر نقض حقوق بشر محکوم نمود. این محکومیت که در اشرف افشاکریهای وسیع مقاومت ایران صورت گرفته بود انعکاس وسیعی یافت. تقریباً همزمان با این محکومیت، یعنی از اواخر آبان و اوائل آذر، اعتصاب غذای سهمی در زندان اوین و قزلحصار توسط انقلابیون در بند، بخاطر اعتراض به شرایط غیر انسانی زندانبانهای خمینی صورت گرفت. مسئول شورای ملی مقاومت طی تلگرافی به دبیر کل ملل متحد، ضمن در جریان گذاشتن این مقام بین المللی در رابطه با اعتصاب غذای زندانبان سیاسی و عکس العمل جنایت بار رژیم خمینی که ۴۰ نفر از زندانبان سیاسی اعتصاب کننده را در دو نوبت اعدام نمود، از دبیر کل ملل متحد خواستار اقدام عاجل برای توقف شکنجه و اعدام و بخصوص اعدام اعتصاب غذاکنندگان شد. اندکی پس از این حوادث، یکی از هموطنان ما که قصد پناهنده شدن به ایتالیا را داشت، از بنسنگر جنوا، به ایران بازگشت داده شد و در همین شرایط تعدادی از هموطنان کرد ما از ترکیه نحویل رژیم خمینی دانه شدند.

در تمامی این موارد مقاومت عادلانه مردم ایران، پیشنهاد افشاکری علیه رژیم خمینی در صحنه بین المللی بود و همواره خواستار مبارزه همسپهان خارج از کشور برای افشای رژیم خمینی بوده است. طی ماههای بهمن و اسفند از طرف تعدادی از همسپهان خارج از کشور، در نقاط مختلف، اکسیونهای اعتراضی علیه سرکوب و اختناق در ایران صورت گرفت. در همین رابطه از تاریخ ۴ اسفند امسال یک اعتصاب غذای ۵ روزه در پاریس صورت گرفت.

سازمان ما از آنجا که همواره خواستار تمرکز همه انرژی برای افشای رژیم خمینی بوده، با صدور اعلامیه های از اقدام این همسپهان حمایت نمود. نیلا اعلامیه سازمان برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق چاپ می شود.

بیانیه حمایت از اعتصاب

غذای جمعی از هموطنان ما در پاریس

از روز ۲۳ فوریه ۱۹۸۷، عمده ای از هموطنان ما در پاریس، برای اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم خمینی و نیز اعتراض به " استرداد و اخراج متقاضیان پناهندگی سیاسی در ترکیه، پاکستان و ... " دست به اعتصاب غذا زده اند. حکومت ننگین و سیاه خمینی برای مردم همین ما، شره های جز جنگ، ویرانی اختناق، فقر، قحط، اعتماد و آوارگی نداشته است. منافسانه آمدسته از همسپهان ما که بسا تحمل سختی های بسیار از جهنم خمینی میگزینند و در کشورهای ترکیه و پاکستان خود را بهمنسوران

متقاضی پناهندگی سیاسی معرفی می کنند. با خطر اخراج و استرداد به حکومت خمینی روبرو هستند. امروز گر چه سیاستهای جنگ افروزانه و سرکوبگرانه رژیم خمینی به بمن مقاومت انقلابی مردم ایران برای صلح و آزادی، در سراسر جهان افشای رژیم خمینی یکی از ایزولترین حکومتها در سطح جهانی است، اما جناحهای معینی از دولتپسای امپریالیستی و ارتجاع جهانی به اینجا، مختلف می کوشند تا مردم جهان، از واقعیت آنچه در میهن ما می گذرد، بگونه ای با خبر نشوند که ارتباط این جناحها با رژیم خمینی، زیر سوال رود. هدف اقدامات افشاکرانه هموطنان ما در خارج از کشور، توضیح واقعیت های جامعه امروزی ما برای مردم سراسر جهان، افشای جنایات رژیم خمینی، خنثی کردن تلاشهای جناحهای معینی از دولتپسای امپریالیستی که بمنظور نجات رژیم ارتجاعی خمینی صورت می گیرد، و نیز انعکاس مبارزات آزادخواهان و صلح طلبانه مردم ایران، در سطح جهانی است. اعتصاب غذای جمعی از هموطنان ما در پاریس نیز در خدمت بخشی از اهداف فوق الذکر قرار دارد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه ( هویت ) بدینوسیله حمایت خود را از خواستهای اعلام شده توسط " کمیته برگزاری اعتصاب غذا " در پاریس مندرج در اعلامیه مورخه ۲۳ فوریه ۱۹۸۷ این کمیته اعلام می دارد. ما از تمامی نیروها و شخصیت های آزادیخواه، مترقی، بشر دوست و صلح طلب جهان می خواهیم که از مبارزه عادلانه مردم ایران علیه جنگ و سرکوب و برای صلح و آزادی حمایت فعال کنند.

نابود باد جنگ

سرنگون باد رژیم خمینی

زنده باد صلح و آزادی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

پیرو برنامه ( هویت )

پاریس ۲۵ فوریه ۱۹۸۷

## "سال سرنوشت سال بحرانی و ..."

بقیه از صفحه ۲

درونی رژیم در رابطه با این ماجرا آنقدر بالا گرفت که خمینی مجبور شد، چند بار به میدان آید و در حل و فصل باندهای گرگ صفت رژیمش، دخالت کند. سخنرانی خمینی در اواخر اسفند امسال (۲۵ اسفند ۶۵)، که شدت نسبت به تضادهای درونی رژیمش عکس العمل نشان داد، آخرین مورد مخالفت و ویر سال سرنوشت بود. اگر بحرانهای اقتصادی و ایدئولوژیک رژیم را نیز به مسائل ما لا اضافه کنیم، روشن میشود که سال سرنوشت در واقع سال فرو رفتن هر چه بیشتر رژیم در بن بست و بحران بوده است. مالی که اگر برای رژیم نتیجه ای جز شکست، رسوایی و فضاخت نداشت، سالی که گر چه خمینی برای

## نوروز

در پویش بهار

آتش ها فروزان

زبانه می کشد

چه بی باک می رود

دیوارهای ظلمت آب می شود

لاله ها می رقصند

شمسی می چکد

کبکشان می ترسد

در نوروز چه زیبا

آسمان شرق شهاب می شود

سرویی در رود است

چه خمزان می رود

بر خزر می فرد

تاریکی چه اسان

اسیر دست خواب می شود

امواج خروشان

رودها چه سنگین

سدا را می شکند

سرویی می خواند

نوروز قصه صد کتاب می شود

سبزه قد می کشد

بهار می خندد

گلها می روید

هاله ای از گل

گردنبند سینه آفتاب می شود

شهرها می رویند

انسانها می سازند

زنجیرها می شکند

اینبار

کار فدای انقلاب می شود

ژاکار

مردم ایران، فقر، آوارگی، خانه خرابی و از دست دادن جوانانشان و صدها فاجعه دیگر به ارمغان آورد اما مقاومت انقلابی مردم ایران و پیشتازان این مقاومت به دست آوردهای بزرگی در صحنه داخلی و بین المللی دست یافتند. مقاومت انقلابی و مسلحانه مردم ایران با چشم اندازی روشن بسا استقبال سال جدید می رود. برای مقاومت انقلابی سال جدید، سال تلاشهای پیکرتر و استوارتر برای سرنوشتی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادیست. در حالیکه برای رژیم خمینی، آینده هر چه بیشتر تیره و تار است. تعدید " سال سرنوشت " از طرف رژیم خمینی، بمدت بگسال، خود کویاترین دلیل بر درماندگی، بحران، بن بست و سقوط رژیم خمینی است. مردم ایران در آستانه نوروز امسال، بگسی از سیاه ترین روزهای حیات خود را می گذرانند، بکوشیم تا نوروز آینده، بهار آزادی را بر روی ویرانه های رژیم خمینی جشن بگیریم.



## ۸ مارس روز همبستگی بین المللی زنان گرامی باد



گرامی داشت ۸ مارس روز جهانی زن، تبلور همبستگی بین المللی همه محرومان و ستمدیدگان جهان با مبارزه زنان می باشد.

در هشتم مارس ۱۹۰۸ هزاران تن از زنان کارگر صنایع نساجی و لباس دوزی آمریکا در شهر نیویورک دست به تظاهرات زده و خواستار پایان بخشیدن به تبعیضات جنسی در عرصه کار اجتماعی شدند. در عین حال صدای اعتراض خود را در مورد استفاده از نیروی کار کودکان توسط کارفرمایان و سرمایه داران اعلام نمودند. این تظاهرات انعکاس جهانی وسیعی یافت و دو سال بعد در سال ۱۹۱۰ در دومین کنفرانس بین المللی زنان بنا بر پیشنهاد کلارا زتکین که خود یکی از رهبران جنبش انقلابی زحمتکشان بود، مقرر شد که همه ساله ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن جشن گرفته شود و از آن به بعد در این روز همواره زنان جهان با صدای بلند فریاد اعتراض خود را علیه

ستمگری امپریالیسم و علیه نابرابری جنسی بلند می نمایند.

روز زن در ایران و جایگاه زنان هیچگاه از طرف رژیمهای ارتجاعی حاکم به رسمیت شناخته نشده است. رژیم پهلوی روز ۱۷ اسفند، روز کشف حجاب اجباری از طرف رضا خان قلدر را بعنوان روز زن اعلام کرده بود و رژیم خمینی هم یکی از روزهای مذهبی را بعنوان روز زن اعلام کرده است. علیرغم این، زنان ایران با گرامی داشت ۸ مارس همبستگی خود را با مبارزات زنان جهان اعلام میدارند.

با وجود همه فشارها و محدودیت های اجتماعی که در مقابل زنان در ایران وجود داشته است، زنان میهنمان با شرکت در مبارزه ضد امپریالیسم دمکراتیک مردم، همواره برای لغو تبعیضات جنسی مبارزه کرده اند.

بقیه در صفحه ۷

## شهدای فدایی اسفند ماه

برای فتح قله های  
پر صلابت عشق؛  
عشق به آزادی؛  
عشق به مردم؛  
عشق به بربری؛  
یامرگ یاسوزی.

رفقا: رحیم سمائی - مهدی اسحاقی - سعید احمد زاده - عباس مفتاحی - اسدالله مفتاحی - مجید احمد زاده - مهدی سوا لانی - حمید توکلی - غلامرضا کلوی بهمن آژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله مناف فلکی - علیرضا نابدل - یحیی امین نیا - جعفر اردبیل چی - محمد علی تقی زاده - اصغر عرب هریسی اکبر موید - علی نقی ارش - حسن سرکاری - فرسدون نجف زاده - علی اکبر صفایی فراهانی - جلیل انفرادی - احمد فرهودی - اسکندر رحیمی - هسادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شعاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمد علی محدث قندچی - غفور حسن پور هوشنگ نیری - ناصر سیف دلیل صفایی - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - عبدالرضا کلانتر نیستانی احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - محمد رضا سبکدست نظام - حمید آزادی - جعفر پنجه شاهی - محمد علی معتقد - جواد غفوریان - جلیل حواری نسب - سعید عقیقی - عبدالرحیم صبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهاء الدین نگداری خسرو قره داغی - سیروس خرده بین - ناصر نجم الدینی طی سالیهای ۲۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در سنگر انقلاب در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دمکراسی و سوسیالیسم بشهادت رسیدند.

•••••

## با کمک های مالی خود سازمان را در

## انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، با مستقیما بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشویه واریز کرده و قمی رسید و با فتوکپی آنرا به یکی از آدرس های سازمان ارسال دارید.

## حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS BANQUE  
2365  
MME. TALAT R. T.  
2617 G  
LES HAUTS DE CHATOU  
78400 CHATOU FRANCE

## علیه سرکوب رژیم خمینی و برای همبستگی با زندانیان سیاسی

طی یکسال گذشته رژیم خمینی همچنان به سرکوب خشن مردم و نیروهای انقلابی و مبارز ادامه داد. تلاشهای بی وقفه ایرانیان خارج از کشور برای افشای سیاستهای سرکوبگرانه رژیم خمینی، این رژیم را در صحنه بین المللی هر چه بیشتر منسوز بقیه در صفحه ۱۱

## برای دریافت نبرد خلق

## و سایر انتشارات سازمان با

## آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN  
B.P. 311  
75229 PARIS  
CEDEX 05  
FRANCE

فرانسه <

## نوروز خونین ستمدج

پس از گذشت دو ماه از پیروزی قیام شکوهمند خلقهای ایران، در حالی که مردم، کمرشان را از روی بیکر بخون تیبیده شهدای قیام راست نکرده بودند و در شرایطی که مردم خود را برای جشن گرفتند اولین بهار آزادی آماده می کردند، ایستار صدای توپ و خمپاره های جمهوری اسلامی بمدا در آمد و زنان و مردان و کودکان خلق ستمدیده کرد را آماج کلوله های خود قرار داد.

خلق قهرمان کرد که سالها برای کسب آزادی و خود مختاری مبارزه کرده بود، متحمل بمبشکنی فشارها و ستم ملی از جانب رژیم پهلوی گردیده بود، خلق کرد در مسیر این مبارزه همگام با دیگر خلقهای میهنمان دیکتاتوری شاه را به زباله دانی تاریخی سپردند.

با پیروزی قیام بهمن خلق کرد بمنظور اعمال را در بقیه در صفحه ۱۰

# زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم